



بولتن مجازی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر ◊ پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹

گفت‌وگو با روح‌الله حجازی، کارگردان فیلم «روشن»

زاویه دوربینم را در فیلم‌سازی تغییر دادم



علی اوجی، تهیه‌کننده فیلم «روزی روزگاری، آبادان»

نوید ورود یک کارگردان
تازه نفس سینما

۲۰

درباره علی انصاریان به‌بهانه درگذشت شوکه‌کننده‌ها و

پایان تراژیک

۸

فهرست

- ۳ سرمقاله به قلم شهاب‌الدین عادل
- ۵ مروری بر اخبار مهم چهارمین روز جشنواره
- ۷ اینفوگرافیک - تصاویر خاطره‌ساز انصاریان
- ۸ یادداشت حسن هندی درباره علی انصاریان
- ۸ گزارشی از کارهای تصویری علی انصاریان به بهانه درگذشت شوکه‌کننده او
- ۹ یادداشت رضا صائمی؛ سینما در سوگ علی انصاریان
- ۱۰ نشست پرسش و پاسخ فیلم «زالاوا»
- ۱۲ نشست پرسش و پاسخ فیلم «مصلحت»
- ۱۴ تفاوت‌های بلیت فروشی برای فیلم‌های جشنواره سی و نهم فجر
- ۱۶ جزئیات پروسه تولید فیلم سینمایی «روشن»
- ۱۷ گفت‌وگو با روح‌الله حجازی، کارگردان فیلم «روشن»
- ۲۰ روایت ساخت «روزی روزگاری، آبادان» از سوی تهیه‌کننده
- ۲۱ گفت‌وگو با حمیدرضا آذرنگ، کارگردان فیلم «روزی روزگاری آبادان»
- ۲۴ روایت مسائل مهاجران افغانستانی در بستر خانواده
- ۲۶ گفت‌وگو با محمد حیدری، دبیر دو دوره از جشنواره فیلم فجر
- ۳۴ قاب فجر

شناختنامه

بولتن مجازی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر

مدیر هنری: علی شکوری
دبیر عکس: محمد حسن هندی
گرافیک: معصومه علیپور
عکس: مهدی قاسمی، سحر محراب‌بیگی
محسن سعادت، بهار عسگری و سحر لطفی

مدیرمسئول: سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد
زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)
سردبیر: سمیه علیپور
همکاران تحریریه: نژاد پیکانیان، زهرانجفی و محمد مهدی درستی
باتشکر از: فاطمه استیری، علی افشار، رضا صائمی و محمد تهرانی
ویراستار: شیدا محمد طاهر

سینما در پیچیده‌ترین شرایط جهانی زنده می‌ماند



شهاب‌الدین عادل
نویسنده و عضو هیئت علمی
دانشکده سینما تئاتر

ضرورت حیات و زندگی سینما در دوران کرونا امری بدیهی و روشن است. کرونا یا هر اپیدمی و حادثه جهانی دیگری قادر به توقف زندگی نیست. حیات انسان همواره در حال تحول و دگرگونی است. پیش‌تر از این نیز حوادث پیچیده طبیعی، بیماری‌های اپیدمیک، وقایع سیاسی و نظامی همچون جنگ‌های جهان‌گیر قادر به توقف زندگی نبوده‌اند. اگر پذیرفته باشیم که سینما به معنای زندگی، عشق و امید است در پیچیده‌ترین شرایط جهانی، سینما از بدو اختراع تاکنون هستی خود را ادامه داده و تمامی رویدادها و وقایع جهانی حتی تراژیک‌ترین آن‌ها را بازنمایی کرده است.

سینما شعر، سرود، فداکاری، امید، ایمان و عشق را به بهترین شکل به ظهور رسانده است. هیچ‌گاه از حرکت و حیات بازمانده و حتی آینده فکری این هنر ارزشمند همواره راهنمای انسان‌ها بوده است. لذا ضرورت حفظ و حراست از سینما و دست‌اندرکاران و هنرمندان آن امر بدیهی و روشنی است. در شرایط فعلی دولت‌ها می‌بایستی به حمایت از سینما و دست‌اندرکاران آن همت گمارند تا سینما نیز در کنار دیگر دولت‌های جهان بر بحران فعلی کرونا فائق آیند.

به طور قطع صدمه‌ای که بر سینما در شرایط کرونا به لحاظ اقتصادی در زمینه تولید و توزیع جهانی و فقدان توسعه اقتصادی وارد شده است، انکارناپذیر است. در شرایط پسا کرونا کمک اقتصادی به صنعت سینما می‌بایستی این هنر ارزشمند را بر بنیادی استوار حفظ کند.

مهم‌ترین صدمه‌ای که در دوران کرونا به سینما وارد شده است، قطع ارتباط ارگانیک تماشاگران در مقابله با فضای مرسوم سینماها و توزیع رسانه‌ای آن است که به اموری همچون توزیع و اکران و پدیده اجتماعی و فرهنگی آن وارد شده است. لذا اگر پذیرفته باشیم که اقتصاد سینما در دوران کرونا بی‌رمق شده است، رابطه فرهنگی و عمیق جایگاه مردمی سینما نیز دچار خدشه جبران‌ناپذیری شده. به همین دلیل دست‌اندرکاران این صنعت از سوی سیاست‌گذاران می‌بایستی مورد حمایت قرار گیرند تا دو بحران مهم جریان اقتصادی و جریان فرهنگی سینما را در دوران پسا کرونا حمایت و مجدداً رونق ببخشند.



مروری بر اخبار مهم چهارمین روز جشنواره

جشنواره فیلم فجر در سوگ درگذشت چهره‌ای محبوب

چهارمین روز از برگزاری سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر در حالی سپری شد که اخبار و اتفاقات این رویداد سینمایی تحت تأثیر درگذشت دردناک علی انصاریان، فوتبالیست سابق و بازیگر سینمای ایران، قرار گرفت که امسال فیلم سینمایی «رمانتیسیم عماد و طوبا» را در جشنواره سی و نهم داشت.

اکران فیلم‌های جشنواره در سانس فوق‌العاده، جزئیاتی از نمایش فیلم‌های جشنواره در شهرهای مختلف، گزارش لحظه‌ای آمار مخاطبان و فروش آثار و... دیگر اخبار مهم جشنواره در روز چهارم بودند.

می‌کرد، امیدوار و دعاگو بودیم که این ورزشکار عزیز و بازیگر خوش‌ذوق سینما با اولین حضورش در جشنواره فیلم فجر بتواند بدرخشد که... البته درخشید و ستاره ماند و به نور پیوست.

ستاد برگزاری سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، همراه با مخاطبان سینما و همه مردم ایران فقدان این هنرمند و ورزشکار مردمی را تسلیت می‌گوید و ضمن طلب آمرزش برای علی انصاریان عزیز از درگاه حق، سلامت همه بیماران را آرزومند است.»

◆ اکران سه فیلم جشنواره در سانس فوق‌العاده

طبق اعلام مدیر امور سینماهای سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر، سه

◆ پیام تسلیت روابط عمومی

جشنواره برای درگذشت علی انصاریان

در پی درگذشت علی انصاریان، روابط عمومی سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر، در پیامی درگذشت این قهرمان ملی و بازیگر سینمای ایران را تسلیت گفت. متن این پیام به شرح زیر است:

«بازگشت همه به سوی اوست

علی انصاریان، به عنوان یک چهره محبوب ملی، محبوب قلب‌های مردم ایران بود. در شرایطی که او دراماتیک‌ترین روزهای عمر خود را سپری



یادشده اکران خواهند شد. فروش بلیت به صورت اینترنتی است و سینماها با دستورالعمل ستاد ملی کرونا با ۳۰ درصد ظرفیت خود، میزبان تماشاگران خواهند بود. شهرستان پارس‌آباد نخستین تجربه برگزاری این جشنواره را خواهد داشت.

هم‌چنین طبق اعلام رضا کمالی زرکانی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، آثار حاضر در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر از تاریخ ۱۵ تا ۲۲ بهمن‌ماه در سینما ستاره شهر و ستاره جنوب بندرعباس برای مخاطبان به نمایش درخواهد آمد. رضا کمالی زرکانی در این باره توضیح داد: تمام ۱۶ فیلم بخش سودای سیمرغ امسال برای اولین بار در هرمزگان به نمایش درمی‌آید. این جشنواره برای پنجمین سال پیاپی و هشتمین بار در هرمزگان برگزار می‌شود. جشنواره با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی و حداکثر با ظرفیت ۳۰ درصد سالن برگزار می‌شود.

◇ ارائه گزارش لحظه‌ای آمار مخاطبان و فروش آثار

در اقدامی نوین و در راستای سیاست سازمان سینمایی مبنی بر شفاف‌سازی اطلاعات، اهالی رسانه و سینما و مخاطبان جشنواره می‌توانند با مراجعه به سایت سمفا در جریان گزارش برخط و لحظه‌ای فروش و آمار مخاطبان ۱۶ فیلم بخش مسابقه سینمای ایران (سودای سیمرغ) قرار بگیرند.

آمار برخط ارائه‌شده از سوی سمفا، اطلاعات اکران فیلم‌های جشنواره سی و نهم در تهران و شهرستان‌ها (که از چهارشنبه، ۱۵ بهمن، آغاز می‌شود) را در زمینه تعداد بلیت فروش‌رفته و تعداد بلیت باقی‌مانده در بر می‌گیرد. بلیت‌های فروش‌رفته شامل بلیت‌های سانس‌های گذشته و آینده است و جدول اکسل به تفکیک فیلم، تعداد بلیت، تعداد سانس، سینما، سالن و استان که به شکل مرتب به‌روزرسانی می‌شود، در این سایت قابل مشاهده است، ضمن آن‌که آمار آرای مردمی نیز در این سامانه ارائه و به‌روزرسانی خواهد شد. بر اساس اطلاعات این سامانه، طراحی اولیه برای ظرفیت نمایشی فیلم‌ها تقریباً یکسان بوده است. برای فیلم‌هایی که تعداد بلیت موجود آن‌ها در تهران به زیر هزار عدد می‌رسد، سانس فوق‌العاده تعریف می‌شود. هم‌چنین به دلیل ایجاد شرایط مساوی برای فیلم‌ها، بینندگان سانس‌های فوق‌العاده نمی‌توانند در آرای مردمی (انتخاب بهترین فیلم) شرکت کنند.

◇ پرفروش‌های جشنواره فیلم فجر

بلیت‌فروشی سینماهای مردمی در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر در چهارمین روز از برگزاری جشنواره پی‌گیری شد و ۷۳ هزار و ۹۳۰ بلیت در تهران و ۲۰ هزار و ۵۴۷ بلیت در شهرستان‌ها به فروش رسید. هم‌چنین ۹۶ هزار و ۱۷۰ بلیت در سامانه‌های فروش باقی‌مانده است. سه فیلم پرفروش جشنواره فیلم فجر در سینماهای مردمی تا بدین لحظه عبارت‌اند از: «شیشلیک» به کارگردانی محمدحسین مهدویان (۱۳ هزار و ۲۳۱ بلیت)، «ابلق» به کارگردانی نرگس آبیار (۱۲ هزار و ۶۳۶ بلیت) و «بی‌همه‌چیز» به کارگردانی محسن قزایی (۱۱ هزار و ۶۱۵ بلیت). آرای مردمی اعلام شده صرفاً تعداد رأی را نشان می‌دهد و نتایج نهایی بر اساس تفکیک کیفیت رأی اعلام خواهد شد.

فیلم «ابلق»، «بی‌همه‌چیز» و «شیشلیک» در سانس فوق‌العاده در سینماهای مردمی اکران خواهند شد.

محمدرضا فرجی در این باره گفت: به دلیل استقبال مخاطبان، سه فیلم «ابلق» ساخته نرگس آبیار، «بی‌همه‌چیز» ساخته محسن قزایی و «شیشلیک» ساخته محمدحسین مهدویان در سانس فوق‌العاده در سینماهای مردمی اکران خواهند شد.

او در ادامه گفت: امسال به دلیل کاهش ظرفیت سینماها برای جشنواره بسیاری از مخاطبان موفق به تماشای فیلم‌های جشنواره نشدند و بنا بر درخواست‌های مکرر مخاطبان، ستاد جشنواره تصمیم به اکران سه فیلم در سانس فوق‌العاده گرفت. مدیر امور سینماها گفت: سانس فوق‌العاده برای روزهای پنج‌شنبه و جمعه ساعت ۹:۳۰ صبح در نظر گرفته شده است و از هم‌اکنون خرید آن در سامانه‌های فروش بلیت جشنواره قابل دسترسی است.

فرجی در پایان تأکید کرد: سانس فوق‌العاده جزو آرای مردمی جشنواره به شمار نمی‌آید.

◇ ادامه نمایش فیلم‌های جشنواره در شهرهای ایران

اکران مردمی فیلم‌های حاضر در جشنواره فیلم فجر، در شهرهای مختلف کشور از روز چهارشنبه، ۱۵ بهمن‌ماه، آغاز شد و هم‌زمان با برگزاری سی و نهمین دوره این رویداد سینمایی، از پوستر ششمین دوره جشنواره فیلم فجر استانی اردبیل رونمایی شد. عبدالله بحرالعلومی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل، در این باره گفت: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، امسال ششمین دوره جشنواره فیلم فجر استانی را هم‌زمان با سی و نهمین جشنواره فیلم فجر در دو شهرستان اردبیل و پارس‌آباد برگزار می‌کند. سینماهای قدس و انقلاب در اردبیل و سینما انقلاب پارس‌آباد میزبانان فیلم‌های بخش سودای سیمرغ این دوره از جشنواره خواهند بود.

بحرالعلومی بیان کرد: تمامی ۱۶ فیلم حاضر در بخش سودای سیمرغ جشنواره از پانزدهم تا بیست‌ودوم بهمن‌ماه در هر سه سینمای



بازگشت همه به سوی اوست

علی انصاریان، به عنوان یک چهره محبوب ملی، محبوب قلب‌های مردم ایران بود. در شرایطی که او دراماتیک‌ترین روزهای عمر خود را سپری می‌کرد، امیدوار و دعاگو بودیم که این ورزشکار عزیز و بازیگر خوش ذوق سینما با اولین حضورش در جشنواره فیلم فجر بتواند بدرخشد که... البته درخشید و ستاره ماند و به نور پیوست.

ستاد برگزاری سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، همراه با مخاطبان سینما و همه مردم ایران فقدان این هنرمند و ورزشکار مردمی را تسلیت می‌گوید و ضمن طلب آموزش برای علی انصاریان عزیز از درگاه حق، سلامتی همه بیماران را آرزومند است.

روابط عمومی جشنواره فیلم فجر

سی و نهمین جشنواره فیلم فجر
39th FAJR FILM FESTIVAL

تصاویر خاطره ساز انصاریان

سریال

سرزده ۱۳۹۹
محکومین ۱۳۹۶
کیمیا ۱۳۹۴



سینمایی

رمانتیسیم عماد و طوبا ۱۳۹۹
کلوب همسران ۱۳۹۷
کلاف ۱۳۹۳
پاداش سکوت ۱۳۸۵



شام ایرانی ۱۳۹۹
آسپرین ۱۳۹۵



شبکه نمایش خانگی

حس خوب زندگی ۱۳۹۵
حکم تیر ۱۳۹۵
شروع یک پایان ۱۳۹۵
دو روز تا ماندن ۱۳۹۵



تله فیلم

● سریال

● تله فیلم

● سینمایی

● شبکه نمایش خانگی





حسن هندی
عکاس

چه سوگوار مردمانیم

علی انصاریان رفیق شفیقی بود. از آن‌ها که نبودنش جگرت را می‌سوزاند. در چند پروژه‌ای که با او همکاری داشتیم، جز انرژی، روحیه دادن و خوش کردن روزگار آدم‌ها چیزی از او ندیدیم. خوش‌مشراب، زنده‌دل، لوطی، بامرام و اهل حلال و حرام. دست‌انتم می‌لرزید و نمی‌توانم رفتنش را باور کنم. قبل از شروع جشنواره به دبیرخانه آمد تا از او ویدیویی درباره این دوره بگیرم. حرف‌هایش را خواهی شنید. هیچ فکر نمی‌کردم دو سه هفته بعد از آن، سیاه عزایش را ببوشم. چه سوگوار مردمانیم. فردای آن روز پیغام صوتی فرستاد که سیم‌رغ را بدهید به من و بهتر از من کی؟ و غش غش خندید... که قربان خنده‌هایت که حالا فقط در خاطره‌هایم دوره می‌شود. من آرزو داشتم جایزه را در دستان تو ببینم و کلیپ جایزه‌ات را بسازم و برای تبریك بنویسم و ذوق رفاقت تو را بکنم. نه! عاقبت کار من به نوشتن این سوگ‌نامه رسیده... علی کجا رفتی؟

درباره علی انصاریان به بهانه درگذشت شوکه‌کننده او

پایان تراژیک

در چهارمین روز برگزاری جشنواره فیلم فجر خبر غم‌انگیزی موجب اندوه بسیاری شد؛ علی انصاریان بازیکن با سابقه فوتبال که در ۱۴ سال اخیر تجربیاتی را در زمینه تصویر پست سرگذاشته بود و امسال با فیلم سینمایی «رمانتیسیم عماد و طوبا» در جشنواره حضور داشت، بر اثر بیماری کووید ۱۹ درگذشت. این پایان اندوه‌باری بود برای هنرمند و ورزشکاری که طبق گفته‌های خود هنوز برنامه‌های بسیاری برای خود در دنیای هنر داشت.

حضور او با «رمانتیسیم عماد و طوبا» در جشنواره امسال با توجه به نقشی که در این ساخته سینمایی کاوه صباغ‌زاده بازی کرده بود، می‌توانست فرصتی بیش از گذشته برای دیده شدن او در سینما فراهم کند، اما مرگ به او فرصت نداد به راهی که شاید رویای آن را در سر داشت، ادامه دهد و حالا در فقدان او برای دوست‌دارانش چاره‌ای غیر از مرور خاطرات باقی نمی‌ماند؛ خاطراتی که بخشی از آن در عرصه تصویر رقم خورده است. علی انصاریان از نیمه دهه ۸۰ جذب فعالیت تصویری شد و ابتدا با فیلم «پاداش سکوت» به کارگردانی مازیار میری مقابل دوربین سینما قرار گرفت. بین فیلم نخست تا تجربه بعدی او حدود هشت سال فاصله افتاد تا این‌که در سال ۱۳۹۳، انصاریان در «کلاف» به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی هم‌بازی لیلا اوتادی شد. دهه ۹۰ را می‌توان سال‌های پرکاری او در زمینه تصویر دانست. او سال ۱۳۹۴ مقابل دوربین جواد افشار رفت و در «کیمیا» بازی کرد. سال ۱۳۹۵ پرکارترین سال حضور او در زمینه بازیگری بود. او در این سال در جریان ساخت تله‌فیلم «دوروز تا ماندن» با عمار خطی همکاری کرد و در سریال نمایش خانگی «آسپرین» به کارگردانی فرهاد نجفی، تله‌فیلم «شروع یک پایان» به کارگردانی آرش تقواشعار، تله‌فیلم «حکم تیر» به کارگردانی رحیم بهبودی‌فر و تله‌فیلم «حس خوب» ساخته فرناز امینی مقابل دوربین رفت. پرکاری او در سال ۱۳۹۶ به تک حضورش در سریال «محکومین» به کارگردانی حسین قناعت و سید جمال سیدحاتمی در سال ۱۳۹۶ رسید. اجرای برنامه اینترنتی «زاییواکا» و برنامه «لورزشگاه» برای شبکه پنج به همراه بازی در «کلوپ همسران» فعالیت‌های او را در سال ۱۳۹۷ تشکیل می‌دهد. او در ادامه «مسابقه منچ» را هم اجرا کرد و در «رمانتیسیم عماد و طوبا» و سریال «سرزده» ظاهر شد. حضور در «شام ایرانی» و اجرای «پانوراما» آخرین فعالیت‌های او بود.

چهره محبوبی که دستان بی‌رحم کرونا از جامعه ایران جدا کرد، با خاطرات خود در زمین فوتبال و تصاویری که روی پرده سینما و قاب تلویزیون به یادگار گذاشت، در ذهن‌ها ماندگار خواهد ماند.



سیدرضا صانمی

سینما در سوگ علی انصاریان

گاهی پیوند آدم‌ها و تاریخ‌ها حکایتی غریب می‌شود. نخستین فیلم جشنواره فجر سی‌ونهم که به نمایش درآمد، فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبا» بود که علی انصاریان در آن نقش پدر طوبا (الناز حبیبی) را بازی می‌کرد. پدری تنها در خانه‌ای چوبی در جنگل. گویی این تنهایی نه ویژگی نقش، که تقدیر بازیگرش بود که به خاطر این‌که در کنار مادر تنه‌ایش بماند، ازدواج نکرد. شاید آخرین مصاحبه علی انصاریان، با جشنواره بود که در آن درباره حضورش در جشنواره امسال، شوخ‌طبعی‌اش درباره بردن جایزه و سیم‌رغ و علاقه‌اش به سینما گفت. اما دست سرنوشت بر روی پرده عالم نقش دیگری را برای او در نظر گرفته بود. نقش مسافری که فرار است کوله‌بارش را ببندد و به جهانی دیگر سفر کند. بازی روزگار چنین رقم خورد که او از تماشای بازی‌اش در فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبا» محروم شود و جشنواره به نیمه نرسیده، رخت از این دنیای فانی بریندد. او که دلش لک زده بود تا در کنار مردم و در سالن سینما به تماشای فیلم بنشیند، حتی فرصت نیافت که پایش به جشنواره برسد. گاهی دنیا به همین اندازه کوتاه و بی‌رحم است. حالا به جای علی انصاریان در کاخ جشنواره، این عکس و یاد اوست که در لابی محل جشنواره به حسرت همه مخاطبانی بدل شده که آن را می‌بینند. او با مرگ تراژیکش، زندگی را به فیلمی تلخ بدل کرد و حالا جشنواره فیلم فجر به جای حضور او در این جشن، به سوگواری نشست است. سوگ بازیکن سابق فوتبال و بازیگر تازه سینما که تازه داشت بازیگری را به شکل جدی‌تری دنبال می‌کرد و تازه بعد از این می‌توانست شاهد رشد و پیشرفت در این حرفه باشد. او البته هفت بار نقش آفرینی کرده و جایزه هم گرفته بود، اما همواره دوست داشت در نقش یک قهرمان بازی کند. در جایی گفته بود: «سینما قهرمان ندارد و من خیلی دوست دارم قهرمان داشته باشم. ما با قهرمان‌های فیلم‌ها بزرگ شده‌ایم.» و حالا با این‌که دیگر فرصت نمی‌کند در سینما در نقش قهرمان باشد، اما با مرگش به قهرمانی بدل شده که ملتی در غم از دست دادنش غمگین‌اند. انصاریان برای جشنواره امسال خیلی ذوق داشت و حتماً اگر کرونا گرفتارش نمی‌کرد، در همان روز نخست باید او را پشت میز نشست‌های پرسش و پاسخ‌های جشنواره می‌دیدیم. در مصاحبه‌ای گفته بود: «خدا را شکر من بعد از دو سال توانستم در جشنواره‌ای جایزه بگیرم، ولی جشنواره فجر اعتبارش خیلی بالاتر است. دوست دارم فیلمی بازی کنم که با آن زندگی کنم. اتفاقاتی که خودم باورش کنم و حتی در دیالوگ گفتن و حرف زدن، دیالوگی باشد که خودم باورش داشته باشم.» او فرصت نیافت در نقشی که دوست دارد، زندگی کند و تقدیر برای او نقش زندگی را نوشته بود. اما مثل یک قهرمان سینمایی محبوب و به خاطره‌ای ماندگار در حافظه مخاطب بدل شد. روحش شاد و یادش جاودان.



نشست پرسش و پاسخ فیلم «زالاوا»

افسانه‌ای قدیمی درباره خرافه‌های مردم

موضوعات متافیزیکی در خانواده پدری می‌شنیدیم که گاهی منجر به باورهای غیرمنطقی می‌شد و دوست داشتم اولین فیلمم مخصوص به خودم و دغدغه‌ام باشد. برای همین سراغ افسانه‌های رفته‌ام که در خانواده‌ام سینه به سینه نقل شده و به من رسیده بود. «روزی که پدرم داشت خاطراتش را داستان‌های عام را شنیده‌ایم، ادامه داد: «روزی که پدرم داشت خاطراتش را تعریف می‌کرد، جزو اولین خاطراتش تسخیر و استخدام یک جن در خانواده پدری‌اش بود. این برای من جذاب بود، نه خود داستان، بلکه شیوه‌ای که پدرم آن را تعریف می‌کرد، به گونه‌ای باورپذیر بود که شیوه روایت پدرم برای من جذاب شد و تصمیم گرفتم فیلمی با این محتوا بسازم.»

◇ امیری: می‌خواستیم خرافه را نقد کنیم

امیری با تاکید بر این‌که به دنبال اثبات یا عدم اثبات جن در این فیلم نبوده است، گفت: «ما در این فیلم وارد مبحث درام شدیم و کاری به مباحث مذهبی این ماجرا نداریم. هدف ما نقد خرافه و به تصویر کشیدن سوءاستفاده‌هایی است که از این نوع باورها می‌شود.»

◇ پورفرج: حفظ راکورد خیلی سخت بود

نوید پورفرج ضمن تسلیت گفتن درگذشت مهرداد میاوند و آرزوی سلامتی

اولین نشست پرسش و پاسخ روز چهارم سی و نهمین جشنواره فیلم فجر به فیلم «زالاوا» به کارگردانی ارسلان امیری اختصاص پیدا کرد. اجرای نشست‌های روز چهارم را علیرضا غفاری بر عهده داشته است.

این نشست با حضور کارگردان، سمیرا برادری (تهیه‌کننده)، نوید پورفرج، پوریا رحیمی‌سام، باسط رضایی، فریدون حامدی (بازیگران)، عماد خدابخش (تدوین‌گر)، محمد رسولی (فیلم‌بردار)، عباس عباسی (طراح گریم) و محمدحسین کرمی (طراح صحنه و لباس) با اجرای علیرضا غفاری در سالن مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار شد.

◇ افسانه‌ای از دل خانواده

امیری درباره انتخاب مضمون این اثر سینمایی گفت: «یک احساس و کنجکاوی درباره باور من شکل گرفت و ماجراها و داستان‌هایی درباره

به چشم بیاید، به نسبت این‌که بخواهیم با فضای تکنیکال، خود را به رخ بکشیم.»

◇ امیری: من زبان کردی را دوست دارم

امیری در پاسخ به این سوال که چرا در سال‌های اخیر تعداد فیلم‌های بومی زیاد شده و به نظرتان این چه اهمیتی دارد، توضیح داد: «اگر همه اقوام رسانه داشته باشند، شناخت از هر قومیت شکل می‌گیرد، که نتیجه آن رسیدن به صلح و وحدت درونی است. من زبان کردی را دوست داشتم و می‌خواستم فیلمی به این زبان بسازم. اگر تعداد فیلم‌های بیشتری در اقصی نقاط ایران ساخته شود، تکثر آثار اتفاق می‌افتد. می‌شود ویژگی‌ها و نشانه‌های مشترک را در سینمای اقوام پیدا کرد.» او در ادامه گفت: «دوست دارم نشانه‌های قومیتی را که خودم جزئی از آن هستم، پیدا کنم. اما (زالاوا) فیلمی نمادین است که به مختصات آن جغرافیا ربطی ندارد و چنین اثری در هر کجا می‌تواند اتفاق بیفتد. اگر همه اقوام صدا، فیلم و رسانه داشته باشند، این موضوع باعث صلح پایدار خواهد شد و بیشتر شناخته می‌شوند.»

◇ گریه‌ای که در «زالاوا» بازی کرد

او درباره سکانس مربوط به بازی گریه در فیلم گفت: «در مورد بازی گرفتن از گریه تنها کارگردان یا مربی حیوانات نمی‌تواند از گریه بازی بگیرد. کاری گروهی بود که همه در بازی گرفتن از آن نقش داشتند. ضمن آن‌که شخصیت خود گریه نیز در نتیجه نهایی موثر بود.»

◇ فیلم برداری در روستایی زیبا و بکر

محمد حسین کرمی درباره طراحی صحنه فیلم (زالاوا) گفت: «روستایی را که ما در آن مشغول کار بودیم، کارگردان پیش‌تر دیده و بر آن مبنا قصه را نوشته بود. وقتی من روستا را دیدم، گویی ۸۰ درصد ماجرا انجام شده بود، چراکه بسیار روستای بکر و زیبایی بود. تنها چالش ما این بود که بتوانیم با المان‌هایی ساده ترس را به مخاطب القا کنیم.» امیری درباره نقشی که هدی زین‌العابدین بازی کرد، گفت: «این نقش بسیار از خودش دور بود. او دو ماه و نیم برای یادگیری زبان و فهمیدن زبان بدن کردها تلاش کرد.»

◇ رحیمی‌سام: چالش زبان یک ترس بزرگ برای ما بود

پوریا رحیمی‌سام دیگر بازیگر این فیلم با آرزوی سلامتی برای علی انصاریان گفت: «در ابتدا می‌خواهم از کادر درمان که در خط مقدم مبارزه با کرونا می‌جنگند، تشکر کنم. امیدوارم خیلی زود بتوانیم واکسنی معتبر را خریداری کنیم.» او ادامه داد: «از چهار، پنج سال پیش در جریان تولید این فیلم بودم. حتی قرار بود نقش دیگری بازی کنم. من معتقدم بازی در این نقش برای من یک شانس بود. چالش زبان یک ترس بزرگ برای ما بود. پیدا کردن کوک اصلی بازی‌ها چالش زیادی برای ما بود. ما بسیار مهربان بازیگران خوب کنارمان هستیم.»

برای علی انصاریان و همه بیماران کرونا در پاسخ به این سوال که سخت‌ترین سکانس فیلم برای شما کدام سکانس بود، گفت: «به نظرم سکانسی که عاشقانه شروع می‌شد و تا پایان فیلم ادامه داشت، سکانس سختی بود ۴۰ تا ۲۵ روز همان سکانس پائینی طول کشید. حفظ راکورد خیلی سخت بود.» او ادامه داد: «فیلمنامه بسیار خوب بود و بعد از خواندن آن تصمیم گرفتم در آن باشم، ضمن این‌که نقش من در (زالاوا) با دیگر آثارم فرق داشت.» ارسلان امیری هم درباره حضور نوید پورفرج در فیلم عنوان کرد: «همه سکانس‌ها برای نوید مشکل بود. او زحمت زیادی برای فیلم کشید. ما دو ماه و نیم در حال تمرین دو زبان با او بودیم. هر چند کرمانشاهی است، اما باید به گونه‌ای صحبت می‌کرد که مخاطبان متوجه شوند.»

◇ فیلمی به زبان مردم و درباره مردم

سمیرا برداری، تهیه‌کننده این فیلم درباره تهیه‌کنندگی (زالاوا) گفت: «فیلمنامه این اثر برای من فاکتورهایی داشت که همان ابتدا خواندم و متوجه شدم با زبان مردم، برای مردم و با در نظر گرفتن شعور مردم بود.» محمد رسولی، مدیر فیلم‌برداری، درباره این فیلم توضیح داد: «بزرگ‌ترین چالش این کار کارگردانی ارسلان امیری بود. من الفبای سینما را از او یاد گرفتم و این باعث می‌شد هم بخواهم عرض اندام کنم و هم تواضع در مقابل استاد را داشته باشم.» او ادامه داد: «فیلم‌برداری فیلم کار پیچیده‌ای بود. ما می‌خواستیم فیلمنامه بین ژانری باشد و مسیر سراسرتی نداشته باشد و این موضوع هم در فیلمنامه و هم در فیلم‌برداری خودش را نشان بدهد. یعنی هر چند به عنوان فیلم‌بردار دوست داشتم شیطنت‌هایی برای نمایان کردن ژانر وحشت داشته باشم، اما گاهی ترمز خودم را می‌کشیدم تا کار وارد ژانر رئال شود. ضمن این‌که حفظ راکورد در دو سکانس طولانی فیلم بسیار سخت بود.» عماد خدابخش درباره تدوین این فیلم توضیح داد: «تاکید ما این بود که در تدوین به صورتی عمل کنیم که قصه دیده شود و



نشست پرسش و پاسخ فیلم «مصلحت»

عدالت سیاسی نیست

سکوت کنند. در ادامه مصاحبه ویدیویی علی انصاریان که دی ماه در ستاد جشنواره سی و نهم فیلم فجر و به خاطر بازی در فیلم «زمانتیسیم عماد و طویا» به کارگردانی کاوه صباغزاده از او ضبط شده بود، برای حاضران در سالن نمایش داده شد.

◆ تهیه کننده: عدالت موضوعی همیشگی است

در ادامه حسین دارابی ضمن عرض تسلیت به مناسبت درگذشت علی انصاریان گفت: «ما در باشگاه فیلم سوره وقتی می‌خواستیم کار امسال را انتخاب کنیم، یک سری طرح‌هایی آماده داشتیم که خواندم، اما «مصلحت» را به دلیل سوژه به روز و ملت‌پسند که داشت، بیشتر دوست داشتم.» محمدرضا شفا، تهیه‌کننده این اثر هم گفت: «عدالت موضوع همیشگی است و هیچ وقت بی‌اهمیت نشده، اما امروز در اجتماع ما آن چیزی است که خیلی‌ها به دنبالش می‌گردند و مطالبه می‌کنند، و به تصویر کشیدن آن هم یکی از رسالت‌هایی است که سینما دارد.»

◆ نامی که ارشاد آن را رد کرد

دارابی درباره تغییر نام فیلم هم گفت: «فیلم به سرانجام رسیده بود که به «مصلحت نظام» رسیدیم و این نام را برگزیدیم، به ارشاد هم گفتیم، ولی

نشست پرسش و پاسخ فیلم «مصلحت» به کارگردانی حسین دارابی، به عنوان دومین نشست خبری چهارمین روز جشنواره برگزار شد. نشستی که بیشتر فضای آن تحت تاثیر درگذشت علی انصاریان بود. نشست فیلم «مصلحت» با حضور کارگردان، محمدرضا شفا، تهیه‌کننده، سهی بانو ذوالقدر، وحید رهبانی، نازنین فراهانی، امیر نوروزی (بازیگر)، آرش قاسمی (صداگذار)، روزبه رایگا (مدیر فیلم‌برداری)، سپاوش کردجان (تدوین‌گر) و با اجرای علیرضا غفاری برگزار شد.

◆ یک دقیقه سکوت به یاد علی

انصاریان

در ابتدای نشست غفاری با تسلیت به مناسبت درگذشت علی انصاریان به دلیل ابتلا به ویروس منحوس کرونا برای بازماندگان خواستار صبر جمیل شد و از حضار درخواست کرد یک دقیقه به احترام این عزیز از دست‌رفته بایستند و

استفاده کنم و تجربه شیرینی برای من بود.»

◇ ذوالقدر: تحت تاثیر فیلم قرار گرفتیم

سهی بانو ذوالقدر درباره حضور در این اثر سینمایی گفت: «من این فیلم را دوست دارم و بعد از تماشای این اثر تحت تاثیر قرار گرفتم و خوشحالم که در آن ایفای نقش کردم. من عاشق کارهای سخت هستم و این فیلم نیز سختی دلخواه من را داشت. این فیلم خیلی شبیه اتفاقات امروز است. گذشته از این که فیلم برای جناح خاصی هست یا نه، ذات سینما این است که ما را به فکر وادارد.» او ادامه داد: «دارایی هر سکانس فیلم را به منزله یک فیلم کوتاه می‌دید و برای آن وقت می‌گذاشت. ذات سینما این است که ما را به فکر فرو برد و میان ما ایجاد هم‌دلی کند و (مصلحت) از این سو اثری موفق بوده است.»

در ادامه نازنین فراهانی درباره بازی در «مصلحت» توضیح داد: «من در این اثر نقش خیلی کوتاهی داشتم. نباید به عنوان سیاسی بودن «مصلحت» توجه شود. این فیلم با بودجه یک کار اول ساخته شده و چیزی که در این فیلم نظرم را جلب کرد، تسلط حسین دارایی به کارگردانی است. به طوری که متوجه نمی‌شدیم او کار اولی است.»

◇ دارایی: می‌خواستیم احساسات مخاطب را تحت تاثیر قرار دهیم

دارایی درباره گریم فرهاد قائمیان و شباهت آن به یکی از شخصیت‌های سیاسی گفت: «فیلم ما از یک محور کلی صحبت می‌کند و هیچ کاراکتری را همسان‌سازی نکردیم. گریم فرهاد قائمیان نیز ایده‌ای از چهره آقای گیلانی نبود.» این کارگردان درباره پایان‌بندی فیلم گفت: «ما درباره پایان‌بندی کار بسیار صحبت کردیم. من بسیاری از کلیشه‌های سینمایی را دوست دارم و از آن‌ها استفاده می‌کنم، چراکه کارکرد دارد. مهم‌ترین مسئله در فیلم‌سازی برای من برقراری ارتباط مخاطب با فیلم بود. فکر کردم سکانس آخر فیلم این‌گونه مورد پسند بیشتر مخاطبان قرار می‌گیرد.» او ادامه داد: «برایم مهم بود فیلمی را بسازم که احساسات مخاطب را تحت تاثیر قرار دهد و با حال خوب از سینما بیرون برود. استراتژی ما این بود که فیلمی درباره دهه‌های گذشته بسازیم که متفاوت از دیگر آثار این‌گونه بوده و پرطمطراق باشد.»

◇ رهبانی: دو نقش متضاد در جشنواره داریم

روزبه رایگا، درباره فیلم‌برداری این فیلم سینمایی توضیح داد: «ما قبل از آغاز پروژه به تماشای بسیاری از آثار سینمایی در آن مقطع زمانی نشستیم. اما هدف ما این بود که چه به لحاظ کیفیت و چه به لحاظ رنگ این فیلم قدیمی به نظر نرسد.» رهبانی درباره حضور در دو نقش متضاد با هم در جشنواره امسال گفت: «هم فیلم «شیشلیک» و هم فیلم «مصلحت» صحبت از عدالت می‌کنند. من اول به فیلمنامه کار فکر می‌کنم و بعد با توجه به نقشم تصمیم می‌گیرم. در یکی از این آثار من الگوی فساد هستم و در دیگری شکارچی فساد و به نظرم این اتفاقی جالب است.»

آن‌جا این نام مورد موافقت قرار نگرفت و توافق کردیم نام فیلم «مصلحت» باشد. ما بعد از این که نام «مصلحت‌نظام» را مطرح کردیم، در مواد تبلیغی باید اسمی را انتخاب می‌کردیم. تلفی ما این نبود که رد می‌شود، اما ارشاد رد کرد و توافق کردیم در تبلیغات نام «مصلحت» را بگذاریم.»

شفاه درباره مواجهه قوه قضاییه با این فیلم گفت: «وقتی یک فیلم را می‌سازیم سعی می‌کنیم آن‌چه درست است، روی پرده بیاوریم. واکنشی که از مردم گرفتیم، این بوده که با فیلم همراهی می‌کنند و مطالبه خود را پی‌گیری می‌کنند. مردم مطالبات خود را در این فیلم مشاهده خواهند کرد.»

◇ اثری درباره عدالت

وحید رهبانی درباره بازی در این فیلم گفت: «زمانی که این فیلم به من پیشنهاد شد، برایم جذاب بود و بعد از چند جلسه گفت‌وگو آن را پذیرفتم؛ چراکه تیم خوب و هم‌دلی پای این فیلم ایستادند و باید از تمامی عوامل کار تشکر کنم. این اولین تجربه من در آثار سیاسی نیست. برخی وصله‌ها را به فیلم‌ها می‌چسبانند. اما فیلم «مصلحت» مشخصاً درباره عدالت صحبت می‌کند و عدالت یک چیز سیاسی نیست. اگر این‌طور هم شده، اشتباه است. این فیلم خیلی زیاد به فضای امروز نزدیک و نیاز است تصمیم‌گیران این‌گونه فیلم‌ها را ببینند.»

◇ بازیگرانی با سابقه تئاتری و انگیزه بالا

دارایی در خصوص انتخاب بازیگران فیلم توضیح داد: «من ابتدا خیلی می‌ترسیدم و برای انتخاب بازیگر استرس داشتم. ما لحظات پیچیده زیادی در فیلم داشتیم، شب و روز نداشتیم و مدام مشورت می‌کردیم. درنهایت به این نتیجه رسیدیم که ما به بازیگرانی نیاز داریم که خیلی وقت بگذارند به همین دلیل ما به دنبال بازیگرانی می‌گشتیم که ستاره نباشند و از سابقه تئاتری برخوردار باشند تا برای فیلم وقت بگذارند. بررسی کردیم و دیدیم خیلی با انگیزه هستند و این من را ترغیب می‌کرد که از آن‌ها

تفاوت‌های بلیت‌فروشی برای فیلم‌های جشنواره سی و نهم فجر

تلاش برای اجرای عدالت



بلیت‌فروشی سینماهای مردمی در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، تفاوت‌های مهمی از نظر نحوه فروش و گستردگی بلیت‌فروشی نسبت به ادوار گذشته دارد و در این دوره شاهد اتفاقات نوبی هستیم که پیش از این، جزو مطالبات اصلی مخاطبان جشنواره فیلم فجر و حتی فیلم‌سازان در طول سال‌های برگزاری جشنواره بود.

◇ امکان انتخاب فیلم

یکی از مشکلاتی که هر سال در پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره فیلم فجر وجود داشت و موجب نارضایتی مخاطبان جشنواره می‌شد، این بود که بلیت فیلم‌های جشنواره به شکل سری ۱۰ تایی به فروش می‌رسید. این نوع از فروش منجر به اعتراض‌های فراوانی می‌شد و بازار سیاه فروش بلیت‌های جشنواره را داغ می‌کرد. چون برخی از خریداران بلیت‌ها در جلوی سالن سینماها اقدام به فروش بلیت فیلم‌هایی می‌کردند که علاقه‌ای به تماشای آن نداشتند. اما در جشنواره امسال، این امکان برای مخاطبان ایجاد شده که بلیت فیلم‌ها را به صورت تک‌فروشی خریداری کنند. هر کسی می‌توانست برای هر فیلمی چهار بلیت تهیه کند. بدین شکل، دیگر مخاطبان به خاطر خریدن بلیت فیلم‌هایی که علاقه‌ای به دیدن آن‌ها نداشتند، اظهار نارضایتی نکردند.

◇ امکان خرید بلیت برای شهرستانی‌ها

مکانیزه شدن فروش این امکان را در این دوره از جشنواره فیلم فجر فراهم کرد که مخاطبان از تمام شهرهای ایران بتوانند به تماشای آثار حاضر در جشنواره بنشینند. بدین شکل، جشنواره فیلم فجر بیشتر از گذشته به اجرای شعار «عدالت فرهنگی» نزدیک شد.

◇ فرصت خرید بلیت تا پایان جشنواره

ویژگی مهم دیگر بلیت‌فروشی امسال، امکان خرید بلیت در طول تمام روزهای جشنواره

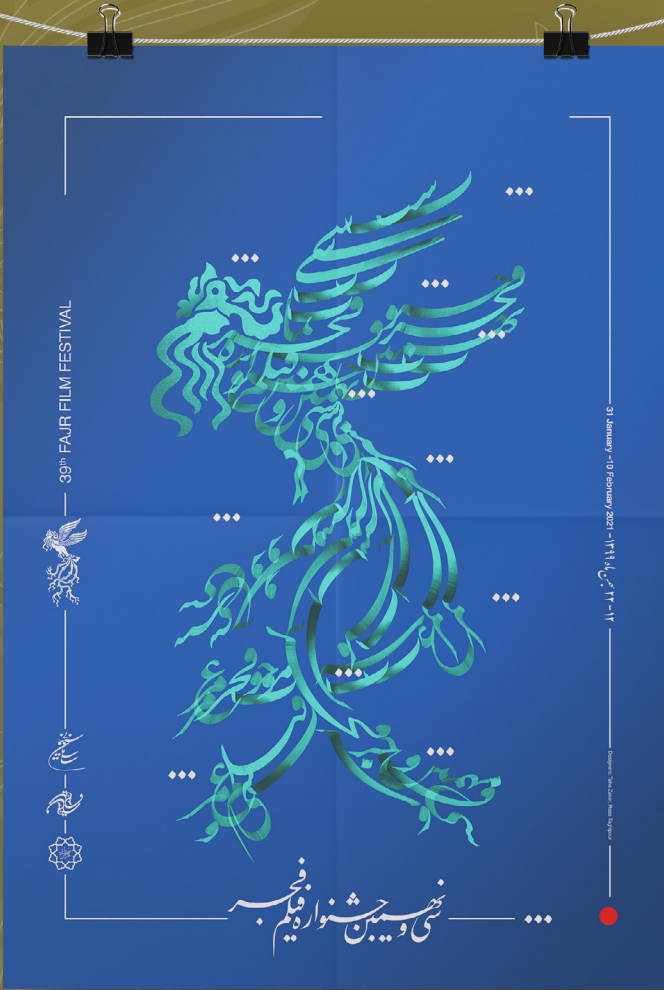
است. تا پیش از این، اکثر بلیت‌های جشنواره قبل از شروع جشنواره به فروش می‌رسیدند و تنها درصد کمی در اختیار گیشه سینماها قرار می‌گرفتند که حتی تهیه این بلیت‌ها هم به‌شدت سخت بود. ولی در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، مخاطبان در سراسر ایران می‌توانند از طریق سامانه‌های بلیت‌فروشی همه روزه بلیت‌هایشان را خریداری کنند. بلیت‌فروشی اکران مردمی تا روز پایانی جشنواره ادامه دارد و علاقه‌مندان تا لحظه نمایش فیلم، می‌توانند بلیت‌های مورد نظر خود را بخرند.

◇ رأی‌گیری مردمی از سراسر ایران

این نحوه بلیت‌فروشی امکان دیگری را فراهم کرد که سال‌ها جزو مطالبات مردم و فیلم‌سازان از جشنواره بود، و آن شرکت تماشاگران شهرهای دیگر ایران در رأی مردمی فیلم‌ها بود. به واسطه فراهم شدن امکان بلیت‌فروشی اینترنتی، همه مخاطبان جشنواره فیلم فجر از سراسر ایران در اهدای سیم‌رغ بلورین فیلم از نگاه تماشاگران مشارکت دارند.

◇ عدالت در بلیت‌فروشی برای فیلم‌ها

با توجه به شرایط کرونا و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی حداکثر ۳۰ درصد از ظرفیت میزبانی سالن‌های سینماهای مردمی به نمایش فیلم‌ها اختصاص داده شد. طراحی اولیه برای ظرفیت نمایش فیلم‌ها تقریباً یکسان بود و برای فیلم‌هایی که تعداد بلیت موجود آن‌ها در تهران به زیر هزار می‌رسد، سانس فوق‌العاده تعریف شده است. هم‌چنین به دلیل ایجاد شرایط مساوی برای فیلم‌ها، بینندگان سانس‌های فوق‌العاده نمی‌توانند در رأی مردمی (انتخاب بهترین فیلم) شرکت کنند.



جئزئات بروسه تولد فيلم سينمائي «روشن»

فيلمی پر بازيگر که توليد دشواری داشت

گفت‌وگو با روح‌الله حجازي، کارگردان فيلم «روشن»

زاويه دوربينم را در فيلم‌سازي تغيير دادم

علي اوجي، تهیه‌کننده فيلم «روزي روزگاري، آبادان»

توليد سخت فيلم در سال کرونایي

گفت‌وگو با حميدرضا آذربنگ، کارگردان فيلم «روزي روزگاري، آبادان»

جنگ در سرنوشت من بوده است

افسانه سالاري ساکت «خانه» را روايت کرد

روايت مسائل مهاجران افغانستانی در بستر خانواده



جزئیات پروسه تولید فیلم سینمایی «روشن»

فیلمی پربازيگر که تولید دشواری داشت

«روشن» عنوان تازه‌ترین ساخته سینمایی روح‌الله حجازی در مقام کارگردان است که پروانه ساخت آن در سال ۹۸ صادر شد و حجازی پس از فراهم شدن شرایط، پیش‌تولید آن را از اواخر پاییز همان سال آغاز کرد. فیلم‌برداری این فیلم که از پرلوکیشن‌ترین تولیدات سال گذشته سینمای ایران به شمار می‌آید، از اواخر دی‌ماه سال ۹۸ در تهران آغاز شد.

هم‌زمانی فیلم‌برداری این فیلم سینمایی با وضعیت وخیم شیوع کرونا در کشور، منجر به تعطیلی پروژه در اواخر اسفندماه سال ۹۸ و توقف فیلم‌برداری شد و درنهایت با بهبود نسبی وضعیت پاندمی کرونا در نقاط مختلف ایران، ادامه فیلم‌برداری فیلم سینمایی «روشن» که تنها شش جلسه از آن به علت شیوع ویروس کرونا باقی مانده بود، ادامه پیدا کرد و سرانجام در روز چهارشنبه، ۱۷ اردیبهشت‌ماه امسال در خیابان‌های تهران به پایان رسید.

این فیلم سینمایی به واسطه وجود لوکیشن‌های متعدد پروسه تولید و فیلم‌برداری سختی را در تهران، دماوند و مناطقی در اطراف پایتخت پشت سر گذاشت و زمستان سخت سال گذشته در تمامی مراحل فیلم‌برداری و به‌طور ویژه شهر دماوند بر دشواری‌های این پروژه افزود.

«روشن» که فیلمنامه آن را روح‌الله حجازی خود به نگارش درآورده است، مانند فیلم‌های قبلی این کارگردان اثری پربازيگر است که ترکیبی متفاوت از بازیگران سینما و تئاتر در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. حجازی خود تهیه‌کنندگی این فیلم را مانند «اتاق تاریک» بر عهده داشته است.

درنهایت با اتمام فیلم‌برداری و انجام مراحل فنی و جلوه‌های ویژه، فیلم سینمایی «روشن» تحویل دفتر سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر شد.



گفت و گو با روح‌الله حجازی، کارگردان فیلم «روشن»

زاویه دوربین را در فیلم‌سازی تغییر دادم

◇ زهرا نجفی ◇

روح‌الله حجازی از جمله فیلم‌سازانی است که همواره تلاش کرده با نگاه و رویکردی متفاوت، دغدغه‌های خود درباره مسائل و معضلات اجتماعی را در غالب فیلم روایت کند، اما او حالا در جدیدترین تجربه‌اش فیلم «روشن» به این مسائل در فضایی بسیار متفاوت‌تر پرداخته و به گفته خود او زاویه نگاهش را تغییر داده است.

حجازی فیلم‌سازی است که تجربه حضور در دوره‌های مختلف جشنواره فیلم فجر را با فیلم‌هایی چون «اتاق تاریک»، «زندگی خصوصی آقا و خانم میم»، «مرگ ماهی» و... داشته است؛ آثاری که معمولاً مورد توجه هیئت داوران قرار گرفته‌اند و حال باید منتظر ماند و دید که جدیدترین ساخته او در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر با چه واکنش‌هایی روبه‌رو خواهد شد.

از یک تصویر، ایده یا خط داستانی اولیه می‌گیرم که ذهنم درگیر آن می‌شود، معمولاً در ابتدا چند ایده است که یکی از آن‌ها پررنگ‌تر می‌شود و اگر با آن ارتباط برقرار کنم، ساخته و پرداخته شده و پیش می‌رود. قصه «روشن» وجود لوکیشن‌های متعدد را می‌طلبید، نقش اصلی داستان روشن نام دارد که رضا عطاران آن را بازی می‌کند و اعمال کاراکتر و تصمیم‌های او بخشی از درام را پیش می‌برد و بخشی هم مربوط به اتفاقاتی است که برای او در طول فیلم رخ می‌دهد.

◇ در فیلم «روشن» فضای متفاوتی را نسبت به فیلم‌های پیشین خود تجربه کردید و نسبت به چند فیلم اخیر خود که بیشتر متمرکز بر لوکیشن‌های داخلی بودند، در این فیلم به سراغ آثاری پرلوکیشن رفتید. این امر ناشی از مقتضیات قصه یا تغییر رویکرد شما در این فیلم‌سازی بود؟
من هم مانند هر فیلم‌سازی سوژه فیلم را

ظرفیتی از توانایی‌هایشان پنهان مانده و دیده نشده است. در فیلم «روشن» وجوهی از بازیگری رضا عطاران را مشاهده خواهید کرد که متعجب خواهید شد و می‌پرسید عطاران هم می‌توانست این‌طور بازی کند؟ بله، اما باید این نقش‌ها برایش نوشته شود.

عطاران به خوبی از پس موقعیت این نقش برآمده است. من در ابتدا به او گفتم اگر بازی نکند، این فیلم را نمی‌سازم و واقعا هم وقتی فیلم را ببینید، این موضوع را متوجه خواهید شد. بعضی از نقش‌ها بسیار خاص هستند و نمی‌توان آن‌ها را به هر بازیگری سپرد.

◇ ترکیب رضا عطاران و سیامک انصاری این ذهنیت را برای مخاطب ایجاد می‌کند که فیلم ممکن است حال‌وهوای کمدی داشته باشد.

تا چه اندازه چنین ذهنیتی درست است؟ ما نباید همواره کلیشه‌ای برخورد کنیم. اما فضایی که فراهم کردیم و تصاویری که منتشر شد، نشان داد که فیلم «روشن» کمدی نیست، البته من خیلی دوست دارم فیلم کمدی بسازم و ژانر بسیار خوبی است، ولی «روشن» هر چه هست، کمدی نیست. البته از لحظاتی که خنده می‌گیرد، برخوردار است و بخشی از توقع تماشاچی از این نظر برآورده می‌شود، اما این‌که کاملاً یک فیلم کمدی ساخته باشم، این‌طور نیست.

مخاطبان اما مطمئن باشند بازی‌هایی را در فیلم خواهند دید که بسیار بیشتر از توقع دیدن یک فیلم کمدی راضی‌شان می‌کند، چون بسیار متفاوت است و تابه‌حال مانند آن را ندیده‌اند. من این موضوع را درباره سیامک انصاری، سارا بهرامی و سایر بازیگران فیلم «روشن» هم می‌گویم، شما بازی‌هایی



◇ با توجه به این موارد می‌توان «روشن» را فیلمی شخصیت‌محور دانست؟

بله، این فیلم، فیلم شخصیت است و مسیری هم که این شخصیت طی می‌کند، در فضاهای مختلفی است و به همین منظور در لوکیشن‌های متعدد فیلم‌برداری کردیم، که البته تجربه جدیدی برای من نبود، چون پیش‌تر در فیلم‌های ویدیویی که ساخته بودم، یا در فیلم اولم «در میان ابرها» تنوع لوکیشن داشتم.

اما در بین فیلم‌های سینمایی که ساختم، «روشن» به لحاظ ژانر، تنوع لوکیشن و ترکیب بازیگران تجربه تازه‌ای است. چون من پیش‌تر با بازیگرانی چون رضا عطاران و سیامک انصاری که تجربه حضور در آثار کمدی را داشتند، کار نکرده بودم و این همکاری در «روشن» محقق شد.

این فیلم به لحاظ تکنیکی هم تجربه متفاوتی برای من بود. به عنوان مثال، در این فیلم از گیت چهار به سه استفاده کرده‌ام که البته در برخی موارد تغییر می‌کند. آقای نجفی که سال گذشته برای «تومان» سیمرغ گرفتند، مدیریت فیلم‌برداری «روشن» را بر عهده داشتند و من پیش‌تر با او در زمینه‌های دیگر همکاری داشتم و اقداماتی که در زمینه فیلم‌برداری، نورپردازی و... انجام داده است، واقعا متفاوت است.

◇ در فیلم «روشن» به سراغ رضا عطاران که بیشتر با آثار کمدی در ذهن مخاطب تداعی می‌شود، رفتید و از او در وجه کمدی و جدی بهره بردید، این تجربه چطور بود؟

همکاری بسیاری لذت‌بخشی با رضا عطاران داشتم و معتقدم او به لحاظ تکنیک، هوش و اخلاق یکی از بهترین بازیگران سینمای ایران است و همکاری با او بسیار جذاب است. نه فقط رضا عطاران، بلکه بازیگران دیگری هم مانند حمید فرخ‌نژاد و بسیاری از هنرمندانی که با آن‌ها فرصت همکاری داشته یا نداشته‌ام، هستند که نقش‌هایی برایشان نوشته نشده تا همه یا بخشی از توانمندی‌هایشان را بروز دهند و

«روشن» به لحاظ ژانر، تنوع لوکیشن و ترکیب بازیگران تجربه تازه‌ای است. چون من پیش‌تر با بازیگرانی چون رضا عطاران و سیامک انصاری که تجربه حضور در آثار کمدی را داشتند، کار نکرده بودم و این همکاری در «روشن» محقق شد



محدودیت‌ها همیشه برای من یک چالش است و با وجود آن که می‌گویند محدودیت خلاقیت می‌آورد و در برخی اوقات هم این اتفاق برای من افتاده است - چون چاره دیگری نداشتم - اما لزوماً قرار نیست بگویم این محدودیت‌ها اتفاق خوبی است. من همواره به مسئولان گفته‌ام که من یا سایر فیلم‌سازان به موضوعی که دوره‌ای تابو بود، پرداختیم، اما بعدها مشاهده کردیم که بسیار عادی شد

محدودیت‌ها همیشه برای من یک چالش است و با وجود آن که می‌گویند محدودیت خلاقیت می‌آورد و در برخی اوقات هم این اتفاق برای من افتاده است - چون چاره دیگری نداشتم - اما لزوماً قرار نیست بگویم این محدودیت‌ها اتفاق خوبی است. من همواره به مسئولان گفته‌ام که من یا سایر فیلم‌سازان به دوره‌ای تابو بود، پرداختیم، اما بعدها مشاهده کردیم که بسیار عادی شد و حتی تلویزیون هم که مشکل داشت، بدون هیچ‌گونه ابرادنی آن اثر را پخش کرد.

من از «در میان ابرها» و آن سکانس پایانی فیلم به زبانی برای بیان مسئله رسیدم و تا به امروز و حتی در فیلم «روشن» هم چنین رویکردی را دنبال کردم. در این فیلم هم موقعیت‌هایی از این دست داریم که یکی از آن‌ها خیلی ویژه است و من در آن به فرمی رسیده‌ام تا هم به قواعدی که در مملکت وجود دارد احترام بگذارم و هم بتوانم موضوع و دغدغه مدنظرم را بیان کنم و برایم جالب است بینم چطور با این موقعیت برخورد خواهد شد. فکر می‌کنم در «روشن» به فرم سینمایی تازه و پخته‌تری نسبت به فیلم‌های پیشین خودم رسیده‌ام که ناشی از تجربیات من در حوزه فیلم‌سازی است.

بخشی از فیلم‌برداری فیلم سینمایی «روشن» هم‌زمان شد با دوران شیوع کرونا. تجربه فیلم‌سازی در چنین شرایطی را چطور پشت سر گذاشتید و تا چه اندازه دشوار بود؟

ما در اوج کرونا، اوایل بهمن، فیلم را کلید زدیم و پس از یک ماه ماجرای کرونا اتفاق افتاد. برای چند روز پروژه را تعطیل کردیم، اما ۲۳ اسفندماه با وجود آن‌که پروتکل‌های بهداشتی را به شکل ویژه رعایت کردیم و حتی در فضای باز هم مشغول فیلم‌برداری بودیم، به دلیل فشارها فیلم‌برداری تعطیل شد و به همین دلیل مجبور شدیم بخش‌هایی از فیلم را که باید به صورت رئال فیلم‌برداری می‌کردیم، با جلوه‌های ویژه تکمیل کنیم.

اما جالب این است که بعدها مشاهده کردیم همه با کرونا زندگی و کار کردند و تنها آن زمان فشار به ما و چند فیلم دیگر وارد شد. ولی به صورت کلی تجربه جالبی بود.

از این افراد خواهید دید که بسیار قدرتمند حاضر شده‌اند و ترکیب آن‌ها هم بسیار خوب جواب داده است. ترکیب بازیگران برای من همواره بسیار مهم است و در «روشن» به نظر من انتخاب درستی داشته‌ام.

در فیلم‌های پیشین خود به موضوعات اجتماعی از جمله روابط زن‌شویی پرداختید و تابو‌هایی را مطرح کردید که تا به حال به آن‌ها پرداخته نشده بود. «روشن» تا چه اندازه به موضوعات آن فیلم‌ها مرتبط است؟

بله، من پیش‌تر به این موضوعات پرداختم و در «روشن» هم چنین موضوعاتی وجود دارد، اما نوع نگاه به این مسئله فرق کرده است. ما در این فیلم سکانس‌های تقابل زن و مرد را داریم و به دغدغه‌های اجتماعی نیز اشاره کردیم، اما از زاویه‌ای دیگر. تا حدودی جای دوربینم را در «روشن» تغییر دادم. دیگر موضوع فقط مسائل زن‌شویی نیست، بلکه این موضوع خود زیرمجموعه یک معضل کلان‌تر است. به این اعتقاد پیدا کردم که مسائل اصلی و مهم نسبت به قبل بسیار بزرگ و کلان‌تر شده‌اند. در واقع دوربین فیلم از ماجراهای داخل یک خانه فراتر رفته است و از فاصله‌ای بیشتر و با نگاهی جامع‌تر به مسائل و اتفاقات پیرامون همه ما می‌پردازد.

محدودیت‌های سینمای ایران، از ممیزی‌ها گرفته تا سلیقه مخاطبان، چقدر فضا را برای شما به عنوان فیلم‌ساز برای خلق ایده‌های جدید فراهم می‌کند؟



علی اوجی

تهیه‌کننده فیلم «روزی روزگاری، آبادان»

تولید سخت فیلم در سال کرونایی

همکاری تیم ما در «روزی روزگاری، آبادان» به پیشنهاد عبدالله اسکندری و حمیدرضا آذرنگ و سپس محسن تنابنده صورت گرفت. از سوی آنان پیشنهاد شد فیلمنامه را بخوانم؛ قصه فیلم چنان جذاب بود که دلیلی ندیدم نخواهم در این پروژه همراه دیگر سازندگان باشم و در نهایت قرار شد به صورت مشارکتی وارد جریان تهیه این فیلم سینمایی شویم.

این فیلم به جنگ هم اشاره دارد، اما روایت آن در دهه ۸۰ و در زمان جنگ آمریکا و عراق می‌گذرد. تهیه‌کننده باید به ابعاد کار مسلط باشد و بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و قصه‌ای که پیش روی سازندگان اثر است، شرایط را برای تولید راحت فراهم کند. برای رسیدن به این هدف هم مهم است تمام ابزار و افراد متخصص دور هم جمع شوند.

یکی از ویژگی‌های جریان تولید «روزی روزگاری، آبادان» این بود که در تمام طول ساخت آن تجربه خوبی را در کنار گروه تجربه کردیم و این در حالی بود که ساخت فیلم به لحاظ اجرایی سخت بود.

حمیدرضا آذرنگ با همه دشواری‌های کار بسیار همراه بود و این باعث شد بدون هیچ مشکلی فیلم ساخته شود. از طرف دیگر، حضور سهیل دانش اشرافی، طراح صحنه و لباس، و مسعود سلامی، فیلم‌بردار، در کنار حمیدرضا آذرنگ، فاطمه معتمد‌آریا، عبدالله اسکندری و محسن تنابنده موجب می‌شد تا خیال من راحت‌تر باشد و کار بهتر جلو برود. حمیدرضا آذرنگ در تئاتر کارگردان موفق است و درام را بسیار خوب می‌شناسد و فضای فیلم نوشت هم فضایی بسیار نزدیک به خودش و ذهنیتش بود. این موجب می‌شود کارگردان با تسلط بیشتری بتواند کار خود را پیش ببرد. با استعدادی که از حمیدرضا آذرنگ سراغ داشتم و با شناختی که از جهان‌بینی و هنر او داشتم، مطمئن بودم که کاری قابل قبول و درخور خواهد ساخت. ما همه چیز را از صحنه، نور، پروداکشن و... براساس نظر کارگردان و حال و هوای ذهنی او پیش بردیم تا نخستین فیلم سینمایی آقای آذرنگ از طراحی‌های ذهنی‌شان دور نباشد.

فیلم «روزی روزگاری، آبادان» نوید یک کارگردان جدید و تازه‌نفس را به سینمای ایران می‌دهد. امیدوارم جشنواره فیلم فجر به خوبی برگزار شود و هر چه زودتر ویروس کرونا از جامعه برود و خیلی زود شاهد روشن شدن چراغ سینماها باشیم.



گفت‌وگو با حمیدرضا آذرنگ، کارگردان فیلم «روزی روزگاری، آبادان»

جنگ در سرنوشت من بوده است

◆ زهرا نجفی

حمیدرضا آذرنگ نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی را از تئاتر آغاز کرد، ولی مردم او را بیشتر به خاطر بازیگری در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی می‌شناسند. او با اولین فیلمش در مقام کارگردان، «روزی روزگاری، آبادان» در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. فیلمی که بازیگران خوبی همچون فاطمه معتمدآریا و محسن تائبنده دارد و قصه آن را پیش از این خود آذرنگ به نمایشنامه تبدیل کرده و بارها به اجرا رفته است. حتی در جشنواره تئاتر هم بابت این اثر از آذرنگ تقدیر شده است. خودش می‌گوید ساخت این اثر سال‌ها در ذهنش بوده است، ولی تردیدها باعث می‌شدند آن را به تعویق بیندازد. حالا آذرنگ، به قول خودش بزرگ‌ترین قورباغه‌اش را قورت داده و از زخم‌هایی صحبت کرده که برای او و هم‌نسلانش که جنگ را تجربه کرده‌اند، هرگز قدیمی نمی‌شود.

آن را به اجرا بردیم. ولی این قصه هم چنان در ذهنم مانده بود؛ با همان شکل و شمایل خاص خودش که باعث می‌شد همیشه به این فکر کنم که آن را تبدیل به فیلم کنم. هر چند که تبدیل آن به فیلم ریسک بزرگی داشت. چون در این قصه ما از جهانی به جهان دیگر وارد می‌شویم و این موضوع باعث می‌شود شکل و شمایل قصه تغییر کند. زمان برد، ۱۷ سال زمان برد تا با خودم کنار بیایم و بالاخره آن را بسازم. ولی از همان ابتدا می‌دانستم که این قصه را روزی تبدیل به فیلم خواهیم کرد.

◆ پس چیزی بود که از قبل به آن فکر کرده بودید؟

غالب کارهایی که در حیطه نمایش انجام دادم، به‌زعم بسیاری از دوستانم بارقه‌هایی در آن هاست که می‌توانند به سینما نزدیک شوند و پیشنهادهای

◆ شما پیش از این هم نمایش «روزی روزگاری، آبادان» را روی صحنه برده و برایش مورد تقدیر قرار گرفته بودید. چه ویژگی‌ای در این نمایش وجود داشت که باعث شد بخواهید برای ساخت اولین فیلم بلند سینمایی‌تان به سراغ آن بروید و این داستان را در مینیوم تصویر ماندگار کنید؟

زمانی که نمایشنامه «روزی روزگاری، آبادان» را نوشتم، بر اساس قصه‌ای از جنوب بود که یکی از دوستانم برایم تعریف کرده و مرا تحت تأثیر خود قرار داده بود. نمایشنامه که نوشته شد،



بسیاری برای تبدیل آن‌ها به فیلم داشتیم. ولی فکر می‌کنم هر کاری به شرایط مختص آن کار نیاز دارد و به نظرم امروز زمان مناسبی برای تبدیل نمایش «روزی روزگاری، آبادان» به فیلم بود.

♦ شما در جنوب و منطقه اندیمشک بزرگ شده‌اید، پیش از این هم نمایش‌های دیگری را در رابطه با موضوع دفاع مقدس روی صحنه برده‌اید و حتی سال گذشته دبیری جشنواره تئاتر فتح خرمشهر را بر عهده داشتید. آیا سوژه‌هایی که به سراغشان می‌روید، برگرفته از تجربه زیسته خودتان در دوران جنگ تحمیلی است، یا حرف‌هایی است که فکر می‌کنید هنوز در سینمای دفاع مقدس مطرح نشده است؟
من بیشتر درباره جنگ نوشتم و می‌نویسم. چون جنگ زخمی بر روح من و هم‌نسل‌هایم بر جای گذاشته است که همیشه همراه ماست. اما همه نوشته‌هایم برآیند تجربیات شخصی‌ام نیست، چراکه بخش بزرگی از نویسندگی خیال‌پردازی با توجه به شرایط جامعه، تجربیات بصری و شنیداری آدم‌هاست. نویسنده خیال می‌کند و می‌نویسد. من به جنگ علاقه ندارم. مگر آدم به زخم‌هایش علاقه‌مند می‌شود؟! جنگ در سرنوشت من بوده است. جنگ در بحرانی‌ترین زمان شکل‌گیری شخصیت نسل ما بلاپی سرمان آورد که هنوز که هنوز است، ما را رها نمی‌کند و برایمان فراموش‌شدنی نیست. صحبت کردن درباره جنگ از تبعات آن اتفاق است و نیاز به درمان دارد؛ درمان روحی و روانی. متأسفانه هیچ‌وقت توجهی نشد که بعد از جنگ قشر عظیمی از مردم نیاز به درمان دارند و هنوز از زخم‌هایی که از آن دوران برداشتند، رنج می‌کشند. به‌خصوص مردم جنوب و غرب کشور که بیشتر از همه با جنگ دست‌به‌گریبان بودند و زخم‌هایشان هنوز کهنه نشده است. شاید اگر مسائل به سمت دیگری می‌رفت و جنگ اتفاق نمی‌افتاد، امروز من کارهای دیگری انجام می‌دادم، نمایش‌های دیگری روی صحنه می‌بردم و مثلاً در مورد عشق صحبت می‌کردم. ولی این‌طور نیست و ما هنوز نیاز داریم در مورد دورانی حرف بزنیم که بر ما سخت گذشت.

بیشتر فیلم‌هایی که در سینمای امروز ایران ساخته می‌شوند، تلاش دارند با واقع‌نمایی مخاطبان را با خودشان همراه کنند. ولی شما در فیلمتان از عنصر خیال بهره خوبی گرفتید که یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های تئاتر و سینماست. ویژگی‌ای که به نظر می‌رسد از سابقه شما در تئاتر می‌آید و البته بسیاری از کارگردانان به راحتی به سراغش نمی‌روند. آیا از ساخت فیلم سوئال در سینمای ایران که غالب فیلم‌هایش اجتماعی و کم‌دی هستند، نترسیدید؟ سینمایی که به نظر می‌رسد سنت بر آن غالب شده و کمتر به اتفاقات نوروی خوش نشان می‌دهد.

مخاطب ایرانی این‌طوری نیست. آن‌چه عرضه می‌شود، تقاضا را شکل می‌دهد. این شکل‌هایی که نام بردید، فیلم‌های اجتماعی و کم‌دی، آن قدر رواج پیدا کرد که مردم و هنرمندان به این سمت رفتند. سینما مدیوم گسترده و وسیعی دارد که می‌توانیم هر آن‌چه خیال می‌کنیم، روایت کنیم. حتی با وجود خط قرمزها و محدودیت‌هایی که داریم، باید بیشتر به این سمت برویم تا مسیر بازر شود. وگرنه اگر نگاهی به تاریخچه سینما بیندازیم، متوجه می‌شویم که این مسیر شورانگیز در دوره‌ای مورد توجه بود. سینمای اواخر دهه ۶۰ و دهه ۷۰ در همین مسیر بود. آن هم در دورانی که مردم درگیر جنگ بودند. ولی به سینمای آن دوران نگاه کنید که چقدر متفاوت بود. انگار یک شعور بی‌نظیری بر سینما غالب بود. محصولات آن دوران هم فیلم‌هاست که هنوز آن‌ها را به یاد داریم. کارهایی که درخشیدند و ماندگار شدند. بعد از آن دوران بود که ذائقه مردم را به این سمت گرایش دادیم که الان دچار آن شده‌ایم. در حال حاضر بیشتر به گیشه فکر می‌کنیم، ولی همان کارهای دهه ۶۰ و ۷۰ هم کم‌فروش نبودند. بنابراین فکر می‌کنم



دوست داشتیم با کار سخت شروع کنیم، به قول این کتاب‌های آموزش مدیریت، اول بزرگ‌ترین و زشت‌ترین قورباغه را قورت بدهم و این تجربه برایم بسیار دوست‌داشتنی بود. حتی کشتی گرفتن با مشکلات ساخت این اثر هم برایم جذاب بود.

چطور شد که عبدالله اسکندری و علی اوجی تهیه‌کنندگی این فیلم را بر عهده گرفتند؟
از ابتدا عبدالله اسکندری قرار بود که کنار ما باشد، ولی سرمایه‌گذار پیدا نمی‌کردیم تا این‌که علی اوجی آمد و واقعا با تمام وجودم می‌گویم که در تمام مراحل کار، هر آن‌چه من می‌خواستم، در کمترین زمان ممکن مهیا می‌کرد. بدون منت یا ان‌قلتی؛ مثل رفیق سالیان دراز، و بسیار خوشحالم که این همکاری به وجود آمد. از او بسیار تشکر می‌کنم. این برایم جذاب بود که همه کسانی که در کنارم بودند، دوستانم بودند و گاهی بیشتر از من حرص کار را داشتند.

حالا که ساخت اولین فیلمتان را تجربه کرده‌اید، فکر می‌کنید دیگر به کارگردانی تئاتر بازخواهید گشت و به سراغ ساخت فیلم‌های بعدی‌تان می‌روید؟ یا هنوز هم تئاتر برایتان جایگاه ویژه‌ای دارد که حتما ادامه‌اش خواهید داد؟

من این دو را ختگشتی نمی‌کنم. نمی‌دانم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. پیش از این به عنوان بازیگر در سینما حضور داشتم و می‌دانستم که کارگردانی کار سختی است. البته در تئاتر هم کارگردانی سخت است، ولی در حال حاضر خیلی بیشتر می‌توانم اذعان کنم که کارگردانی در سینما، کاری سخت و رسالتی بزرگ است. به‌واقع هر اثری می‌تواند یک آغاز دوباره یا مرگ نابه‌هنگام برای هنرمند باشد.

فکر می‌کنید بین بازیگری و کارگردانی کدام سخت‌تر است؟

کارگردانی سخت‌تر است. چون در مقام بازیگر شما فقط با یک شخصیت مواجه هستید و کارگردانی که خواسته‌هایش را باید برآورده کنید. ولی در مقام کارگردان یا گروهی متخصص روبه‌رو هستید که باید به همه آن‌ها توجه کنید، و این مسائل را پیچیده‌تر می‌کند.

این ما هستیم که ذائقه مخاطبان را به سمتی بردیم که بیشتر به آثار اجتماعی و کم‌دی‌گرایش پیدا کرده‌اند.

چقدر خودتان به سینمای سورئالیستی علاقه دارید؟ سینمای مورد علاقه‌تان چه نوع سینمایی است و چه کارگردانی در فهرست علاقه‌مندی شما قرار می‌گیرند؟

به نظر من فیلم خوب، فیلمی است که قصه آن در غالب ژانر درست روایت شود و جبر دراماتیکی که تعلیق درام را شکل می‌دهد، پشت آن باشد. اگر این موارد رعایت شود، هر فیلمی در هر ژانری دیدنی است. اگر قرارداد اثر را ببندیم، در همه ژانرها آثاری هستند که ماندگار شده‌اند و دوست‌داشتنی هستند. این ماندگاری به محکم بودن قصه بازمی‌گردد. این فیلم‌ها توانسته‌اند در مقام به تصویر کشیدن قصه شخصیت‌های ادبی و دراماتیک خودشان را حفظ کنند. منظورم این است که من به گونه یا ژانر خاصی علاقه ندارم و فکر نمی‌کنم فقط گونه خاصی باشد که بشود در آن کار کرد. همه ما صاحب سلائیق و علایقی هستیم، اما بارها شده که با اثری از هر ژانری مواجه شویم که ما را هیجان‌زده کند و دوستش داشته باشیم.

قصه فیلم «روزی روزگاری، آبادان» در یک لوکیشن محدود روایت می‌شود و به غیر از شروع فیلم، ما دیگر شخصیت‌ها را در خارج از خانه نمی‌بینیم. آیا این اتفاق به دلیل تبدیل نمایشنامه «روزی روزگاری، آبادان» به فیلمنامه بوده، یا این قصه روایت در یک لوکیشن محدود را می‌طلبید؟
اگر جبر قصه وجود نداشت، هرگز محدود به یک‌خانه نمی‌شدیم. ولی روایت قصه به این شکل است که شخصیت‌ها باید در خانه باشند و در همان‌جا قصه‌شان را ببینیم.

در مورد پروسه انتخاب بازیگران توضیح دهید. در مقام کارگردان تئاتر سابقه همکاری با فاطمه معتمدآریا را داشتید، اما در مورد محسن تنابنده چطور؟ انتخاب کاراکترهای نوجوان و کودک فیلم چطور اتفاق افتاد؟ آیا در این زمینه چالشی داشتید.

پیشنهاد انتخابی برای هر اثری با توجه به گزینه‌هایی که موجود هستند، در هر جامعه‌ای تعریف می‌شود. خود اثر می‌گوید که چه کسی می‌تواند جای کدام شخصیت بنشیند و آن شخصیت را زندگی کند. من به صرس قاطع به همین کسانی که در فیلم حضور دارند، رسیدم.

بزرگ‌ترین سختی یا چالشی که در ساخت فیلم «روزی روزگاری، آبادان» تجربه کردید، چه بود؟

چالشی برایم وجود نداشت. رفته و فیلمم را با همه سختی‌ها و مشکلاتی که می‌دانستم وجود دارد، ساختم. مهم‌تر از همه این‌که انگیزه داشتم. سال‌های سال است که در تئاتر کارگردانی می‌کنم و این سمت هم برایم دغدغه شده بود. سخت‌ترین کاری که می‌توانستم آن را تبدیل به سینما کنم، انتخاب کردم. آن هم زمانی که بسیاری از نمایش‌های دیگر هم قابلیت سینمایی شدن داشتند، و بسیاری از دوستانم می‌گفتند با تبدیل نمایش «روزی روزگاری، آبادان» به فیلم، کارگردانی در سینما را شروع نکنم. ولی من

افسانه سالاری ساخت «خانه» را روایت کرد

مسائل مهاجران افغانستانی در بستر خانواده



متناسفانه هنوز در سینمای ایران، مرز عمیقی بین سینمای مستند و داستانی وجود دارد. یعنی مخاطب غیرحرفه‌ای یا معمولی سینما مستند را جدی نمی‌گیرد و به عنوان فیلم‌ساز مستند بسیار به این سوال برخورد می‌کند که چه زمانی قرار است فیلم داستانی‌ات را بسازی؟ انگار که ساخت مستند یک پله در مراحل کاری فیلم‌ساز است برای این‌که بعد از آن بخواهد فیلم داستانی بسازد. به همین دلیل به نظر دیده شدن فیلم مستند در جشنواره فیلم فجر و بالا بردن جایگاه آن و به همان اندازه تأکید کردن روی مستند، اهمیت بسیار بالایی دارد و کمک می‌کند مستند به عنوان یک ژانر سینمایی مستقل جدی گرفته شود. ژانری که هم‌تراز با سینمای داستانی است و حتی گاهی می‌تواند فرم‌ها و محتواهای گسترده‌تر و متنوع‌تری را در بر بگیرد و زبان سینمایی قوی‌تری داشته باشد. به همین دلیل حضور مستند در جشنواره فیلم فجر بسیار حائز اهمیت است.

کردن رویاپوش دارد، و از آن جایی که نمی‌تواند با توجه به قوانین در ایران به خواسته‌اش برسد، تصمیم می‌گیرد به افغانستان بازگردد؛ تصمیمی که تبعات جدیدی برای خانواده‌اش به وجود می‌آورد. برای من بسیار مهم بود که مشکلات افغانستانی‌ها در ایران را از بستر و زبانی روایت کنم که برای مخاطب ایرانی قابل درک باشد. این شد که تصمیم گرفتم یک خانواده را انتخاب کنم. چون این فضایی است که برای همه انسان‌ها قابل هم‌ذات‌پنداری است. اگر بخواهیم به این موضوع دقیق‌تر نگاه کنیم، مسئله نژادپرستی زمانی اتفاق می‌افتد که ما نسبت به دیگری احساس بیگانگی می‌کنیم؛ حالا چه به لحاظ حسی، چه فرهنگی. این احساس بیگانگی باعث می‌شود ما از او ترس داشته باشیم، ولی وقتی که آن‌ها را از پنجره بستری که می‌شناسیم ببینیم، بهتر می‌توانیم آن‌ها را درک کنیم. «خانه» اولین فیلم بلند من است و قبل از آن من فیلم‌های کوتاهی عموماً در اروپا ساختم. من همیشه کششی نسبت به موضوعاتی داشتم که در حاشیه جامعه اتفاق می‌افتد. در مستند «خانه» هم خانواده‌ای را می‌بینیم که در حاشیه جامعه ایران زندگی می‌کنند. به لحاظ فرمی معمولاً مستندهای من مشاهده‌گر هستند این فیلم هم تا اندازه زیادی مشاهده‌گر است. ولی برای اولین بار از نریشن و ویس‌اور در آن استفاده کردم.

در رابطه با مستند «خانه»، تجربه شخصی من به خاطر مهاجرتم به اروپا در سال ۲۰۱۱ به خاطر تحصیل بسیار مؤثر بود تا نسبت به مهاجران داخل ایران حساسیت بیشتری داشته باشم. مخصوصاً آن بخشی از جامعه که هم‌نسل ما هستند؛ نسل دوم بچه‌های افغانستانی که در ایران به دنیا آمده‌اند، بزرگ شده‌اند و مثل ما آن‌ها هم رویاهایی برای خودشان دارند. البته شرایط پیچیده ایران برای مهاجران افغانستانی، حتی آن‌هایی که در ایران به دنیا آمده‌اند، اجازه تحقق این رویاها را به آن‌ها نمی‌دهد. به همین دلیل تجربه زیسته من بسیار تأثیرگذار بود تا بخواهم کسی را پیدا کنم که جدیدی برای دنبال

گفتگو با محمد حسینی، مدیر دو دوره از جشنواره فیلم فجر
جشنواره نیازمند پوست اندازی بود

جشنواره در آینه قرن





گفت و گو با محمد حیدری، دبیر دو دوره از جشنواره فیلم فجر

جشنواره نیازمند پوست اندازی بود

◇ نژا پیکانیان

محمد حیدری در دو دوره سی و چهارم و سی و پنجم مسئولیت دبیری جشنواره فیلم فجر را برعهده گرفت. او در حالی هدایت‌گر و مدیر برگزاری مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور شد که پیشینه مدیریتی او بیشتر معطوف به تئاتر بود. حیدری در آغاز کار مدیریت جشنواره، تلاش کرد تغییراتی را در شکل و ظاهر جشنواره به وجود آورد. از مراسم فرش قرمز برای فیلم‌ها، تا تغییرات در طراحی پوستر جشنواره و حضور پررنگ هنرمندان و سینماگران در بدنه مدیریتی که او چیده بود. نتیجه این تغییرات نه‌تنها فقط منجر به تعریف و تمجید از کار او نبود، اتفاقا انتقادهایی را هم سبب شد. در ادامه حیدری در گفت‌وگویی تفصیلی درباره برگزاری جشنواره در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ سخن گفت.

در جشنواره داشته باشند. با همین نگاه زمانی که مسئولیت جشنواره را بر عهده من گذاشتند، که البته مسئولیت بزرگی هم بود، با هدف مشارکت هنرمندان به سمت آن‌ها دست دراز کردم و از آن‌ها خواستم که بیایند و در کنار برگزاری رویدادی که متعلق به خود آن‌هاست، ما را همراهی کنند. در همین راستا خیلی از هنرمندان پیشنهاد ما را قبول کردند و در کنار جشنواره ایستادند. ما حتی در شکل تبلیغات جشنواره هم توانستیم از حضور این هنرمندان استفاده کنیم. انصافا هم دوستان با صداقت و تمام وجود کمک کردند و ناگفته نماند همکاری آن‌ها هیچ‌گونه هزینه مالی برای ما نداشت. نکته مهم این‌که دوستان هنرمندی که همراه ما بودند، نوع نگاهشان مردمی بود. آن‌ها بر این باور بودند که هر چقدر مردم و مخاطبان بیشتری در جشنواره حضور داشته باشند، یا از برگزاری آن مطلع شوند، تاثیرات این رویداد بیشتر خواهد بود.

درست است که جشنواره فجر از مشهورترین اتفاقات حوزه فرهنگ است، ولی من می‌خواستم حضور موثر هنرمندان نیز در این رویداد احساس شود. به هر صورت بر اساس سلیقه‌ای که بنده برای برگزاری جشنواره

◇ یکی از تغییراتی که شما در جریان دبیری جشنواره در این رویداد ایجاد کردید، تقسیم‌بندی کارها در سطح مدیران مختلف بود که اتفاقا این مدیران را از میان سینماگران انتخاب کردید و به نوعی بدنه مدیریتی جشنواره را که همواره از هنرمندان دور بود، به آنان نزدیک کردید. این عملکرد ناشی از چه نگاهی بود و چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

در دوره‌های پیشین که جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شد، معمولا یک نگاه صددرصد دولتی و حکومتی نسبت به این رویداد وجود داشت که البته هم‌چنان نیز هست. اصولا من فکر می‌کردم هنرمندان زیادی که با آثارشان در جشنواره فجر شرکت می‌کنند، قطعا باید به لحاظ شکل اجرایی هم نقش تاثیرگذار بیشتری

◇ شاید یکی دیگر از حاشیه‌ها، اتفاقاً همین حضور هنرمندان به عنوان مشاور بود که منجر به برخی واکنش‌ها شد، زیرا به‌هرحال گزینشی بین هنرمندان اتفاق افتاده بود که شاید برگزیده نشده‌ها، خیلی از آن رضایت نداشتند. این حواشی را چطور از سر گذراندید؟

وقتی شما از یک مسئله یا اتفاقی فاصله می‌گیرید، آن بی‌انصافی‌هایی که به دلیل قضاوت عجولانه اتفاق می‌افتد، شاید تا حدودی کم‌رنگ شوند. ولی متأسفانه در آن دوران به دلیل همان قضاوت‌های غیرمنصفانه، برای جشنواره هزینه و حاشیه بسیاری ایجاد می‌شود. آن‌هایی که حضور داشتند و آمدند، دیدند ما از بیشتر هنرمندان خوب سینمای کشور دعوت کردیم که در بخش‌های مختلف حضور داشته باشند، و این شامل شکل برگزاری نیز بود. البته تنها به دوران برگزاری ۱۰ روزه نیز محدود نمی‌شد. ما حتی در بسیار از برنامه‌های فرهنگی پیش از برگزاری جشنواره نیز از حضور هنرمندان بهره گرفتیم.

یکی از اهداف ما رضایت مردم نیز بود، چراکه نوع نگاه من نسبت به برگزاری چنین جشنواره‌ای مردمی بود. از نظر من مخاطبان در این رویداد نقش تأثیرگذاری داشتند و دارند و اصولاً از آن‌جایی که ما ادعا داریم که هنر سینما بدون مردم و مخاطب معنایی ندارد، تلاش کردیم زنجیره‌های ارتباطی را در نظر داشته باشیم. سعی کردیم نگاه دولتی را که تا پیش از آن دوره حاکم بود، کم‌رنگ کنیم. به این ترتیب که حضور افرادی را که خودشان در سیستم یا دولت نقش داشتند و هنرمند نبودند، به سمت بدنه سینما هدایت کنیم. اما قطعاً زمانی که شما یک کار بزرگی انجام می‌دهید، ممکن است در آن اشکالات یا اختلاف سلیقه‌هایی باشد. من مدعی نیستم که صددرصد کاری که کردیم، مثل همین بحث استفاده از هنرمندان درست بوده. البته هدفمان هم این نبود که هنرمندان باید باشند و بقیه نه. بالاخره ما باید از افراد محدودی استفاده می‌کردیم و قطعاً کسانی که بیشتر دست یاری ما را فشردند، همراهان شدند و توانستیم از توانایی آن‌ها بیشتر بهره‌مند شویم. ولی متأسفانه همان‌طور که گفتید، برخی از دوستان هم به دلایلی از جمله مشغله‌های خودشان نتوانستند حضور داشته باشند و به قول شما این موضوع نیز موجب توقع یا دلخوری‌هایی شد.

نشست خبری سی و نهمین جشنواره فیلم فجر



داشتیم، این اتفاق‌ها شکل گرفت. البته در دوره‌های قبل هم در شکل برگزاری جشنواره هنرمندان مشارکت می‌کردند، ولی شاید شکل آن تفاوت‌هایی داشت که از نظر من مواردی از آن‌ها تکراری بودند. در برخی دوره‌ها معمولاً هنرمندانی به عنوان مشاور دیر حضور داشتند، اما در دوره حضور من از آن‌جایی که معتقد به یک پوست‌اندازی در شکل برگزاری بودم، سعی کردیم با نگاهی تازه اتفاق‌های نوینی را رقم بزنیم.

◇ در صحبت‌هایتان اشاره کردید هنرمندانی که به عنوان مشاور کنار شما حضور پیدا کردند، توقع مالی نداشتند و هزینه‌ای از سوی جشنواره به آن‌ها پرداخت نشد. اما یادم می‌آید بر سر همین موضوع و هزینه‌های صرف‌شده حاشیه‌های زیادی به وجود آمده بود.

متأسفانه آن دوران بعد از برگزاری جشنواره، به‌خصوص جشنواره سی‌وپنجم فضا خیلی ملتهب شد و برخی از رسانه‌ها بیشتر برای جشنواره فضاسازی کردند. در مورد شکل برگزاری جشنواره صحبت‌های زیادی شد، مثلاً این‌که آن هنرمند آمده و قطعاً جشنواره مبلغ هنگفتی را برای برگزاری به او داده است. اسناد همه قراردادهای و بحث‌های مالی وجود دارد. همان زمان هم من اعلام کردم جشنواره نمی‌تواند بدون هیچ پشتوانه یا شرایط مالی و قراردادی پولی به کسی پرداخت کند. اساساً اصولی به لحاظ پرداخت مالی در جشنواره‌ها وجود دارد که اتفاقاً در جشنواره فجر، چه قبل و چه بعد از من، سخت‌گیرانه‌تر است. اما متأسفانه این حرف و حدیث‌ها همیشه هست و جشنواره سی‌وپنجم نیز گرفتار آن‌ها شد. بنده همان موقع نیز گفتم اصلاً تمایل ندارم وارد این حاشیه‌ها شوم و حتی دوست ندارم پاسخی دهم. فقط یادم می‌آید پاسخ مبسوطی در خصوص یکی از هنرمندان خیلی خوب سینمای ایران که با ما در آن سال همکاری زیادی انجام دادند و حضور تأثیرگذاری داشتند، دادم. در آن دوران متأسفانه شرایط به سمتی پیش رفت که این حاشیه‌ها باعث شد اصل موضوع زیر سوال رود و گرفتار این بحث‌ها نامربوط شود.

برگزاری اش را برعهده داشتیم، به شکل مجزا برگزار می‌شد. البته این اتفاق یعنی جدایی بخش بین الملل از ملی از سال قبل شکل گرفته بود، ولی اصولاً من فجر را به عنوان یک جشنواره و جشن بزرگ سینمای ایران می‌دیدم و برنامه‌هایم برای برگزاری آن نیز یک‌پارچه بود.

◇ یعنی شخصاً موافق جدا شدن بخش بین الملل از ملی نبودید؟

بله، موافق نبودم، اساساً در سینمای ایران شرایطی وجود دارد که خیلی نمی‌توانیم بخش‌های مختلف را از هم تفکیک کنیم. آیت‌هایی در برگزاری جشنواره فجر وجود دارد که در زمان یک‌پارچه برگزار شدن آن خودش را نشان می‌دهد. جشنواره در یک زمان مشخص برای نمایش محصولات سینمایی ایران در طول یک سال برگزار می‌شود. این اتفاق در هیچ کجای دنیا از این جهت که تولیدات یک سال سینما را در مدتی کوتاه رونمایی کنند، نمی‌افتد. پس قطعاً این دوران برای ما فرصت خوبی است تا از آن استفاده کنیم و آثار سینمایمان را در معرض دید مخاطبان در اقصی نقاط دنیا قرار دهیم. مخاطبان خارجی این محصولات یا به طور کلی سینمای ایران، می‌خواهند پی‌گیر فیلم‌ها باشند و از این طریق می‌شد آن‌ها را در جریان تولیدات سینمایمان قرار دارد. حتی جدای از این بحث در آن زمان شور و هیجان و حضور مخاطبان داخلی و خارجی نیز رنگ‌وبوی بیشتری داشت و حضور پررنگ مردم چشم‌گیرتر بود.

از طرف دیگر، قطعاً وقتی یک رویداد بزرگ با این شکل و شمایل برگزار می‌شود (امسال را به خاطر بحث کرونا فاکتور بگیرید) و قرار است از فیلم‌ها برای اولین بار رونمایی شود، مخاطبان دوست دارند در آن زمان مشخص بیایند و با آیین و برنامه خاصی آثار را ببینند. به نظر من این قضیه برای کمپانی‌ها و تهیه‌کننده‌ها، با پخش‌کننده‌هایی که از کشورهای مختلف برای حضور در جشنواره فجر می‌آمدند، جذاب بود.

در همه جای دنیا فستیوال‌های معروفی برگزار می‌شود که برنامه‌ها و قوانین خاص خودشان را دارند. اما ما در فجر بخشی از بعد تخصصی این رویداد را جدا کردیم. درست است که در بخش بین الملل آن، مثلاً بخش بازار با نظم بیشتری برگزار می‌شود، اما کلیت این رویداد شاید آن‌طور که باید، دیده نمی‌شود. به نظر من در همین زمان که فیلم‌های ایرانی در غالب یک جشن بزرگ رونمایی می‌شوند، اگر مخاطبان خارجی یا کمپانی‌ها و شرکت‌های فیلم‌سازی از کشورهای مختلف برای شرکت در جشنواره دعوت شوند، اتفاقات مثبت‌تری رقم می‌خورد، کما این‌که اگر قرار باشد از فیلم‌های ایرانی نیز برای شرکت در فستیوال‌های بین‌المللی دعوت شود، فضای توأمان جشنواره ملی و بین‌المللی خودمان می‌تواند در نگاه مهمانان خارجی تأثیر عمیق‌تری را بر جای بگذارد.

◇ پس می‌توانیم از صحبت‌هایتان این‌طور نتیجه‌گیری کنیم که با توجه

به این نوع نگاه، سیاست‌های برگزاری جشنواره ۳۴ و ۳۵ چیده شد؟ من دوست داشتم آن اتفاق‌ها بیفتند، اما نکته مهمی که ما معمولاً یادمان می‌رود، این است که بخشی از برگزاری جشنواره در این ایام، همین مراسم، تشریفات و شکل برگزاری مناسب است که متأسفانه در برخی از موارد از آن‌ها به عنوان «شو» یاد می‌شود. شور و هیجانی که در جشنواره

نکته مهمی که ما معمولاً یادمان می‌رود، این است که بخشی از برگزاری جشنواره در این ایام، همین مراسم، تشریفات و شکل برگزاری مناسب است که متأسفانه در برخی از موارد از آن‌ها به عنوان «شو» یاد می‌شود. شور و هیجانی که در جشنواره ایجاد می‌شود، به حضور مجموعه مخاطبان جشنواره برمی‌گردد. اما ما بعضاً فکر می‌کنیم حضور مردم، هیجان‌آتشان برای دیدن فیلم‌ها، صفت‌هایی که بسته می‌شود و استقبالی که در سطح کشور به وجود می‌آید، بد است

◇ ولی به نظر می‌رسید شما از اتفاقات و تصمیم‌هایی که گرفتید، راضی بودید، درست است؟

نمی‌گویم صددرصد، اما به‌هر حال سعی کردیم بعد از جریان‌های مختلفی که اتفاق افتاد، برای برگزاری هر چه بهتر وارد حواشی نشویم. مثلاً برنامه‌های متعددی که قبل از برگزاری جشنواره برای هر کدامشان برنامه‌ریزی داشتیم، مثل بحث کاندیداها یا رونمایی از پوستر و بقیه محصولات را که برای جشنواره آماده شده بود، به سمتی بردیم تا از حضور دوستان هنرمند استفاده‌های درستی شود. از هنرمندان زیادی برای این برنامه‌ها استفاده کردیم، ولی چون تعداد زیادی از این هنرمندان حضور داشتند و برخی نبودند، همان‌طور که خودتان گفتید و من هم توضیح دادم، باعث ایجاد حاشیه شد.

◇ جشنواره فجر خیلی با احتیاط به سمت

تغییر شکل از یک رویداد سینمایی ساده و «جهادی» به سمت جشنواره‌های «جهانی» و شکل و شمایل آن‌ها پیش می‌رفت. این اتفاق در دوره شما بیش از گذشته چشم‌گیر شد. آن‌چه منجر به این نتیجه شده بود، چه اندیشه و تفکری بود؟ می‌خواستید جشنواره فجر بعد از سال‌ها پوستاندازی کند و به ظاهر تازه برسد؟

جشنواره فجر در آن دو دوره که بنده مسئولیت



فرش قرمز سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر

و حتی سال‌های قبل‌تر برای خرید بلیت در صف می‌ایستادم، حس مردم در این دوران را درک می‌کردم. زمانی که به سینمای مردمی می‌رفتم و در همان فضا قرار می‌گرفتم، متوجه علاقه مخاطبان به دنبال کردن جشنواره می‌شدم. شاید برایتان جالب باشد، اما وقتی خودم با شور و هیجان به دنبال تماشای فیلم‌های جشنواره بودم، این کار برایم جذابیت زیادی داشت. ولی ما بسیاری از این موارد را به دلیل سلیق و نگاه‌های فردی‌مان و این‌که هر کس برای خودش تزی صادر می‌کند، درست ارزیابی نمی‌کنیم. کسانی که عیب و ایرادهای یک مراسم را روپداد را می‌گویند، بهتر است یا راه‌کار مناسب‌تر و پیشنهادهای بهتر ارائه دهند، یا این‌که بگویند اگر آن اتفاق‌های مورد نقد نمی‌افتاد، چه موارد بهتری می‌توانست جایگزین شود.

مثلا همین مراسم فرش قرمز که در این دو سال حاشیه‌های زیادی برای آن درست شد، اگر نبود، چه آیین دیگری می‌توانست جایگزینش شود که بهتر باشد. خیلی‌ها در آن زمان می‌گفتند فرش قرمز و این مراسم برای ما نیست، که اتفاقاً من معتقدم فرش قرمز برای ماست و من همیشه هم این را با صدای بلند گفتم. حتی اگر این مراسم در دنیا برگزار می‌شود، بخش زیادی از آن را از ما وام گرفته‌اند. پس حالا ما چرا باید خودمان را محدود کنیم؟ مگر چه اتفاقی روی این فرش قرمز می‌افتد؟ فیلمی تولید شده و جشنی برای آن گرفته شده است، چه ایرادی دارد؟ جالب این‌که برخی افراد که نگاهی سیاسی به این مراسم داشتند، خودشان در خلوت خیلی هم این رسوم را دوست داشتند. یادم می‌آید همان موقع هم بعضی از کارگردانانی که نگاه‌های شعاری نسبت به مسائل دارند، در مورد فرش قرمز صحبت کردند. اما مشخص بود که در خلوت خودشان هم دوست دارند در آن شرکت کنند. حالا این را که این‌ها چه منافاتی با هم دارند، نمی‌دانم. مراسم فرش قرمز در راستای رومانی یک فیلم برای اصحاب مطبوعات، رسانه و مردم برگزار می‌شود و از نگاه من هیچ‌گونه مسئله‌ای ندارد. همین بحث را ما در آن سال‌ها روی کاخ مردمی هم داشتیم. یادم می‌آید مدام از من در این باره سوال می‌کردند. پاسخ من این بود که این سینما برای مردم است و اگر مردم نباشند، اصلاً معنی پیدا نمی‌کند. پس هر چقدر نقش آن‌ها پررنگ شود، این سینما جای خودش را بیشتر بین آن‌ها باز می‌کند. ولی هر چقدر

ایجاد می‌شود، به حضور مجموعه مخاطبان جشنواره برمی‌گردد. اما ما بعضاً فکر می‌کنیم حضور مردم، هیجان‌انگیزان برای دیدن فیلم‌ها، صفت‌هایی که بسته می‌شود و استقبالی که در سطح کشور به وجود می‌آید، بد است. یا مثلاً اگر در جشنواره فرش قرمز پهن کنیم، یا فضای کاملاً شادی ایجاد شود، اتفاق منفی یا بدی می‌افتد. از نظر من این‌ها لازمه برگزاری یک فستیوال است و در همه جای دنیا روی این‌گونه بحث‌های اجرایی که سر و شکل و ظاهر جشنواره را تشکیل می‌دهند، به قول معروف پز داده می‌شود. واقعیت این است که دبیر جشنواره فیلم‌های شرکت‌کننده را نساخته و زحمات خود هنرمندان در طول یک سال در مدت کوتاه ۱۰ روزه به نمایش درمی‌آیند. همه هیجان‌ات برای تماشای آثار فیلم‌سازان و شکل بصری ماجرا در کنار هم جشنواره را تشکیل می‌دهند که از نظر من ارزشمند است.

دلیل این را که نگاه دولتی یا هر نگاه دیگری مخالف این نوع برگزاری یا مثلاً برپایی فرش قرمز است، من اصلاً متوجه نشدم؛ باز برایم قابل درک نیست چه بدی می‌تواند داشته باشد اگر در کنار استقبال مردم، آثار هنرمندان نیز با شکلی درست در این روپداد بزرگ و در آیین‌هایی به‌خصوص پرزنت شوند.

البته این نگاه من است. برخی اسم آن را تجملات گذاشته‌اند، اما همه جای دنیا روی این موارد متمرکز می‌شوند و برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند. مثلاً اگر جشنی به اسم جشن اسکار در یک شب برگزار می‌شود و اتفاقاً آن‌ها نیز محصولات یک ساله‌شان را در آن جشن مورد ارزیابی قرار می‌دهند، ما نیز تولیدات سینمایی‌مان را در ۱۰ روز نمایش می‌دهیم. این چه ایرادی دارد؟ این‌که مردم با شور و هیجان برای تماشای آثار می‌آیند و هنرمندان‌شان را تشویق می‌کنند، می‌خواهند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و فیلم و عکس بگیرند، چه مشکلی به وجود می‌آورد؟ این را هم نمی‌دانم.

شما چه بخواهید و چه نخواهید، نگاه این جشنواره به دلیل مقطعی که در آن برگزار می‌شود، سیاسی است. اما می‌شود نگاهی فارغ از این موضوع هم به آن داشت. من چون از سال‌ها قبل مخاطب جشنواره بودم



مراسم رونمایی از پوستر سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر

مثلا درباره واکنش‌های منفی یادم است می‌گفتند دبیر جشنواره چرا پوستر را تغییر داده است!

من معتقدم همان‌طور که مدیران جشنواره‌ها تغییر می‌کنند و در دوره‌های مختلف مدیران جوان‌تری می‌آیند که شاید تجربه‌شان مثل مدیران قبلی نباشد، اما احتمالا آن‌ها هم ایده‌ها و نظرات خودش را دارند. طبیعی است که تغییراتی در برخی از جزئیات هر رویدادی نیز به وجود بیاید. این زنجیره باید به هم وصل شود، اما اساسا نمی‌شود یک جایی آدمی ۲۰ سال در یک جریان باشد. به نظر من آن شخص بعد از چند سال دیگر انگیزه کافی برای این‌که بخواهد طراوت و تازگی را به آن جریان بدهد، ندارد.

حالا در آن دوره که ما در طراحی پوستر تغییر ایجاد کردیم و نظرات را می‌شنیدیم، دوستانی که مخالف بودند، می‌توانستند بگویند این نگاه به این دلیل غلط است، ولی هیچ‌کس با دلیل حرف نمی‌زد و فقط می‌گفتند اشتباه است.

آن سال پوستر توسط آقای بزرگمهر حسین‌پور طراحی شد و نوعی نگاه تازه در طراحی آن روی تصویر آقای خسرو شکیبایی، که یکی از هنرمندان نامی سینمای ایران است، ایجاد شد. اتفاقا ما از تصویر کسی استفاده کردیم که در قید حیات نبود. همان موقع به این موضوع فکر کرده بودیم که اگر از سینماگران یا هنرمندان در قید حیات استفاده کنیم، ممکن است حرف و حدیث‌ها و انتظارات و توقع‌هایی به وجود بیاید. به همین دلیل سراغ آقای شکیبایی رفتیم، اما این انتخاب ما هم تبعاتی داشت و برخی ایرادهایی بدون هیچ دلیل و منطقی از آن گرفتند تا فقط مخالفت خودشان را ابراز کنند. اما هیچ‌کس در آن زمان اصلا نگفت آن هنرمندی که این پوستر را طراحی کرده است، بر اساس چه ایده‌ای به آن طرح رسیده و چه برداشتی از آن داشته است.

جالب‌تر این‌که تا قبل از آن دوره، هیچ‌کس در مورد پوستر هیچ نظری نمی‌داد. شاید تنها بخشی که درباره آن اظهار نظر نمی‌کردند، همین پوستر بود. اما نمی‌دانم چطور در آن دوره پوستر به یک‌باره برای همه این قدر مهم شد. یادم می‌آید یکی دو هنرمند خوبمان هم همان موقع اعتراض کردند چرا حیدری خودش پوستر را رونمایی کرده است. در صورتی که من خودم

این نقش را کم‌رنگ‌تر کنیم، قطعاً نوع تولیدات فیلم‌ها نیز تغییر پیدا خواهد کرد، که به نظر من در این سال‌ها نقش مردم کم‌رنگ شده است و من فکر کنم این اتفاق ناشی از نگاه مسئولان بوده است.

ما در جشنواره سی و چهارم روی تبلیغات شهری مانور بیشتری دادیم. هنرمندان خودشان از طریق همان تبلیغات، مردم را به جشنواره فیلم فجر دعوت کردند. البته این به این معنی نبود که در سال‌های قبل این اتفاق نمی‌افتاد، یا بعد از آن سال ادامه پیدا نکرد. می‌خواهم بگویم در آن سال من خواستم با این روش جلوه بیشتری به شکل بصری ایجاد کنم. نکته جالب برای من این بود که به زعم بسیاری از خود مدیران جشنواره که در سال‌های قبل هم در این رویداد حضور داشتند، درصد توجه مردم نسبت به جشنواره در آن دو دوره بسیار بیشتر شد و من از این بابت خوشحال بودم.

◇ یکی دیگر از تغییرات جشنواره در آن سال طراحی پوستر بود. شما برای طراحی پوستر جشنواره سراغ یکی از طراحان جوان و مشهور رفتید و اتفاقاً فرم پوستر را که تا پیش از آن به نوعی بازی با سیم‌رغ بود، در این دوره تغییر دادید. واکنش‌ها به این تغییر کم نبود. چرا فکر کردید پوستر می‌تواند چهره‌محور شود؟ وقتی واکنش‌ها را دیدید، از تصمیم خود در سال دوم برنگشتید، چقدر به این تصمیم ایمان داشتید؟

جشنواره ۳۳ دوره برگزار شده بود و معمولا یک تکرار در طراحی پوستر آن دیده می‌شد؛ یک بار سیم‌رغ را برعکس کرده بودند، یک بار جدا، بار دیگر پرپرش کرده بودند و یک بار هم به پرهایش اضافه. ما تصمیم گرفتیم از این تکرار فاصله بگیریم، در همه جای دنیا هم کاراکتر اصلی یک جشنواره هنرمندان هستند، آن‌ها به این رویداد ماهیت می‌دهند و من هم بر اساس همین نوع نگاه، خواستم چهره‌های هنرمندان که جزو بدنه اصلی سینما هستند، بر پوستر باشند. با همین نگاه نیز به سراغ طراحی پوستر رفتیم و چنین طرحی را سفارش دادیم. البته طبیعی است، هر تغییری در ابتدا واکنش‌های زیادی، چه مثبت و چه منفی، خواهد داشت.



اختتامیه سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر

جشنواره تصمیم گرفتند، فیلم آقای سعید روستایی به عنوان یک فیلم اولی کاندیدای بخش‌های مختلف و البته اصلی جشنواره شد و تقریباً بخش زیادی از جوایز را دریافت کرد. همان موقع هم به من انتقادهای زیادی وارد شد که چرا دبیر جشنواره می‌گوید من دخالتی در داوران ندارم. این جمله را بارها شنیدم که یعنی چه دبیر در جشنواره دخالت نمی‌کند؟ دبیر جشنواره در واقع از یک سری هنرمندان سینما برای همکاری در بخش داوران دعوت به همکاری می‌کند. یک سری حتما کار دارند و نمی‌توانند حضور داشته باشند، عده‌ای نمی‌پذیرند و برخی هم شاید علاقه به حضور نداشته باشند. به این ترتیب، انتخاب‌ها محدود می‌شود و همیشه نمی‌توان در این مسیر روندی ثابت طی کرد، یا از همه نوع نگاه و عقیده‌ای در آن ترکیب بهره برد. هیچ وقت چنین بستری فراهم نمی‌شود که از همه شرایط موجود سینمای ایران استفاده کنیم. زمانی که هیئت داوران انتخاب می‌کنند، دبیر دخالتی در تصمیم آن‌ها نمی‌کند. آن دوره هم کارگردان‌های فیلم اولی خوب درخشیدند؛ مجموعه ۱۱ فیلمی که در بخش نگاه نو شرکت کردند، کارهای بسیار ارزشمندی بودند.

در آن سال به نظر من سینمای ما دچار یک پوست‌اندازی شد؛ اتفاقی که در همه جای دنیا می‌افتد. ممکن است یک دوره رکود داشته باشد و در یک دوره ناگهان فیلم‌های عجیب و غریب به جشنواره بیایند. این برای من خیلی موضوع عجیب و دور از انتظاری نبود. آقای سعید روستایی هم فیلمی ساخته بود که نگاه‌های زیادی را به خودش جذب کرد و مورد اقبال عمومی نیز قرار گرفت. این فیلم آن زمان جوایز را دریافت کرد و بعد از آن هم روستایی در فیلم دومش ثابت کرد فیلم اولش را اتفاقی نساخته و با نوعی نگاه جدید وارد سینما شده است. هر دو کار او آثار بسیار خوبی بودند که همه هم آن‌ها را تحسین کردند. البته هیچ قاعده کلی و تضمین‌شده‌ای در این زمینه وجود ندارد. ممکن است یک فیلم‌ساز چند فیلم موفق بسازد، اما اثر سومش خوب نباشد و فیلم چهارمش دوباره خوب شود.

اما ما مسئول قبل و بعد هیچ اتفاقی نیستیم. تنها آن چیزی که در آن رویداد رخ داده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و من خیلی خوشحال بودم که در آن دوره برای یک کارگردان فیلم اولی، این موفقیت پیش آمد.

برای رونمایی نرفتم و قطعاً آن زمان هنرمندانی که در جشنواره نقش داشتند، مسئولیت این کار را بر عهده گرفتند و من نیز در کنار آن‌ها به عنوان دبیر جشنواره حضور داشتم.

◆ البته من نمی‌گویم دوستان چرا نظر دادند. فقط سوالم این بود که چرا بعداً در مورد این مسئله که هیچ آیینی هم برایش برگزار نشد، کسی حرفی نزد؟

ما برای تک‌تک آیت‌های جشنواره آیین برگزار کردیم. برای همه‌شان برنامه می‌ریختیم، از خبرنگاران، اصحاب رسانه و هنرمندان دعوت می‌کردیم تا همراه ما باشند. اما به هر حال من معتقدم ما باید از تجربیات خودمان استفاده کنیم. من به عنوان دبیر دو دوره از جشنواره خوشحالم که تغییرات خوب و مثبتی در جشنواره سی و چهارم افتاد. تمام نگاه ما این بود که با توجه به برگزاری ۳۳ دوره از جشنواره باید پوست‌اندازی در این رویداد رخ دهد تا نوع نگاه‌ها، شکل برگزاری جشنواره و آیین‌های آن تغییر کند. ما به زیربنا و شاکله و بنیان جشنواره فجر دست نزدیم، اما برخی تغییرات را که فکر می‌کنم نتیجه‌شان هم مثبت بود، در زمان ما رخ داد.

◆ در سال ۹۴ یک فیلم اولی کل جشنواره را زیر سایه فیلم خود قرار داد. نظر هیئت داوران در مواجهه با این غافل‌گیری چه بود؟ اعطای سیمرغ‌های پرتعداد به اثر یک کارگردان جوان (در بخش فیلم اول و مسابقه اصلی) این نگرانی را ایجاد نمی‌کرد که کار برای سعید روستایی سخت ادامه پیدا کند؟

بر اساس آن چیزی که هیئت محترم داوران

وقتی شما از یک مسئله یا اتفاقی فاصله می‌گیرید، آن بی‌انصافی‌هایی که به دلیل قضاوت عجولانه اتفاق می‌افتد، شاید تا حدودی کم‌رنگ شوند. ولی متأسفانه در آن دوران به دلیل همان قضاوت‌های غیرمنصفانه، برای جشنواره هزینه و حاشیه بسیاری ایجاد می‌شود



HR NEWSAGENCY
Majid Haghdoust

اختتامیه سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر

سال ادا کرد و تا جایی که توانست، علیه سینما و جشنواره فجر اقداماتی انجام داد. «برنامه هفت» تولید تلویزیون بود، ولی هیچ کس جلوی آن را نگرفت و هر کاری دوست داشت، با جشنواره انجام داد. داوران را زیر سوال برد و به آن‌ها اتهام دو تابعیتی بودن زد. در صورتی که همان کسی که داشت می‌گفت این‌ها دو تابعیتی هستند، خودش هم تابعیت کشور دیگری را داشت. اما باید توجه داشت که هنرمندان افراد مستقلی هستند. مثلاً من استخدام جایی نیستم که بخواهند بگویند او تابعیت یک کشور دیگر را دارد یا ندارد. در فجر همه افراد در سیستم داوری تایید می‌شوند. من متوجه نمی‌شوم جشنواره‌ای که در ایران برگزار می‌شود و داوران آن همه ایرانی هستند، باید درگیر این حواشی شود. به نظر من باید به یکدیگر احترام بیشتری بگذاریم، چون همه ما مجموعاً یک خانواده هستیم و من درک نکردم چرا برخی برای همکاران خودشان که در سینما بودند و هستند، احترامی قائل نشدند و سوابقشان را زیر سوال بردند. اگر این‌گونه باشد که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هیچ کس نمی‌تواند کسی را قبول داشته باشد.

◆ شما به عنوان مدیری که جز سینما در فضای تئاتر نیز تجربیات بسیاری دارد، سیری را که جشنواره فیلم فجر تاکنون طی کرده، چطور می‌بینید؟

به نظرم برگزارکننده‌ها و خود مسئولین از تجربیاتی که جشنواره فجر در سال‌های برگزاری‌اش به دست آورده، استفاده نمی‌کنند. به دلیل تغییرات زیادی که هر ساله در جشنواره، چه در چپ‌نشدن دبیران و چه در سیستم برگزاری‌اش، رخ می‌دهد و از آن جایی که سیستم واحد و ثابتی برای برگزاری این رویداد وجود ندارد، بخشی از انرژی افراد هدر می‌رود. به عقیده من از بسیاری تجربیات می‌توان در شکل و نوع نگاه به برگزاری جشنواره استفاده کرد. اما متأسفانه در جشنواره فجر چنین چیزی وجود ندارد. البته این مشکلی است که نه تنها در جشنواره، بلکه در سینمای ایران هم به چشم می‌خورد. ما در بخش برگزاری جشنواره می‌بینیم هر سال با تغییر دبیر یا

◆ اتفاقاً یکی از بحث‌هایی که معمولاً در داوران مختلف جشنواره مطرح است و حواشی آن تا ماه‌ها بعد از اتمام این رویداد هم ادامه پیدا می‌کند، بحث انتخاب فیلم‌ها، داوری‌ها و جایزه‌هاست. در دوران دبیری شما این مسائل چه صورتی داشتند؟

ما در هیئت انتخاب و هیئت داوران دوره سی و چهارم هیچ دخالتی نداشتیم. همین روند در دوره ۳۵ جشنواره هم ادامه پیدا کرد. اعضا به صورت مستقل نظرشان را می‌دادند و فیلم‌ها را بررسی می‌کردند. به نظرم قرار نیست کسی اظهار نظر به معنی تأثیر یا تحمیل کند. شاید نظرش را بگوید، ولی نمی‌تواند در رأی داوران تأثیر بگذارد. در دوره‌ای که من دبیر جشنواره بودم، هیچ‌گونه نگاهی از بیرون نبود که مثلاً به داوران بگویم چنین چیزی را بگویید یا چنین رأیی را بدهید. به نظرم باید حقیقت آن چیزی که اتفاق افتاده، بیان شود. در آن دوره نه کسی با من تماسی گرفت و نه حرف و کاری را توصیه کردند. اما به دلیل اتفاقاتی که در دوره سی و چهارم افتاد، داورها در دوره بعد به دلیل حاشیه‌های گذشته تا حدی تحت تأثیر قرار گرفتند. اما برآیند این اتفاق‌ها و نتیجه‌ای که از آن‌ها گذشت، باید از خودشان بپرسید. پادم می‌آید در جشنواره سی و پنجم برنامه «هفت» حاشیه‌های زیادی ایجاد کرد و فضا را به سمت و سویی علیه داوران و جشنواره برد. بحث‌هایی راجع به دو تابعیتی بودن مدیران و دوستان سینمایی مطرح شد که صحت هم نداشتند. من آن زمان متوجه شدم که چه عمدی پشت این ماجرا وجود دارد. به خصوص برنامه «هفت» که آن حاشیه‌ها را ایجاد کرد. تلویزیون هم کاملاً دینش را به سینما در همان

برگزارکننده‌ها و خود مسؤولان از تجربیاتی که جشنواره فجر در سال‌های برگزاری‌اش به دست آورده استفاده نمی‌کنند. به دلیل تغییرات زیادی که هر ساله در جشنواره چه در چپ‌نشدن دبیران و چه در سیستم برگزاری‌اش رخ می‌دهد بخشی از انرژی افراد هدر می‌رود



◇ به عنوان پایان صحبت‌هایمان مهم‌ترین اتفاقات دو دوره برگزاری جشنواره به دبیری شما از نگاه خودتان چه بوده؟

مهم‌ترین اتفاق این بود که می‌خواستیم شکل برگزاری جشنواره تغییر کند و از روزی که وارد این مسیر شدیم، با تمام دوستانی که در برگزاری جشنواره کمک کردند، صحبت کردم و خواستار پیشنهاد تغییر شدم. با همین هدف در شکل برگزاری جشنواره تغییراتی ایجاد شد که در صحبت‌هایمان به آن‌ها پرداختیم.

از سوی دیگر، تلاش کردم مردم در آسایش و شرایطی بهتر بتوانند فیلم‌ها را ببینند. بحث بردن جشنواره فیلم فجر به استان‌ها را که در سال قبل توسط وزارت کشور انجام شده بود و هزینه‌های آن نیز توسط همین وزارت‌خانه پرداخت شد، در دوره بعد اجرا کردیم. به نظر دستاوردی که در نقطه پایانی وجود داشت، همین آورده ما برای تغییرات در جشنواره سی و چهارم بود که طبیعتاً در دور اول آن موفق‌تر بودیم، ولی در جشنواره سی و پنجم به دلیل حاشیه‌های زیادی که برای جشنواره ایجاد شد و هم چنین تغییرات مدیریتی آن‌طور که می‌بایست، نتوانستیم آن روند قبلی را ادامه دهیم. اما نکته مهمی که وجود دارد و به نظر من باید از سوی مسئولان مورد توجه قرار بگیرد، بحث سیاست‌گذاری بلندمدت برای جشنواره است. همین الان اگر به سراغ این رویداد برویم، متوجه می‌شویم که بعد از ۳۹ دوره برگزاری جشنواره فجر هنوز به‌نور است، یک دبیرخانه دائمی ندارد. این‌که پنج ماه مانده به برگزاری جشنواره، دبیرخانه‌ای شکل می‌گیرد، افراد می‌آیند و کنار هم قرار می‌گیرند، معنای دبیرخانه دائمی نیست. دبیرخانه دائمی یعنی داشتن سیاست کاملاً مشخص برای رویدادی که قرار است برگزار شود. خیلی از موارد با آمدن هر دبیر تغییر می‌کند و همین یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ماست.

تغییر مدیران برگزار، تحولات زیادی به وجود می‌آید. این تغییرات ثبات پیدا نمی‌کنند و همین باعث مقایسه‌های بی‌ارتباط می‌شود. مثلاً مگر ما الان می‌توانیم جامعه کنونی‌مان را با دهه ۶۰ یا ۷۰ مقایسه کنیم؟

◇ آیا این تغییرات اتفاق افتاده حاصل همین نوع نگاه بر تجربیاتی که در جامعه افتاده، نیست؟ نسل امروز ما آیا مثل دهه ۶۰ و دهه ۷۰ فکر می‌کند؟ این‌گونه نیست و من نمی‌فهمم چرا می‌گویید جشنواره فجر در دهه ۶۰ این‌گونه برگزار می‌شده و حالا این‌طور!

به نظر من تغییرات در شکل برگزاری جشنواره باید انجام شود، اما اصولی و درست. شاید به دلیل این‌که مدیران و دبیران ما در سمت‌هایشان ثابت نیستند- ثابت نه به این معنا که شخصی ۲۰ سال دبیر جشنواره باشد، ولی حداقل برای دوره‌های پنج ساله می‌توانست موفقیت‌های زیادی را نصیب جشنواره کند- نمی‌توان برنامه‌ریزی درازمدتی برای بخش‌های مختلف سینما از جمله جشنواره داشت. به نظر من برگزاری جشنواره در حال حاضر فردی است. شخصی آمده که شاید تجربیات بیشتری با نوع نگاه به‌روزتری داشته که توانسته تغییراتی در جشنواره ایجاد کند، اما نفر بعدی که آمده، چون تغییرات را دوست نداشته، آن‌ها را بی‌دلیل کنار گذاشته و کارهای دیگری انجام داده است.

بر اساس آن چیزی که هیئت محترم داوران جشنواره تصمیم گرفتند، فیلم آقای سعید روستایی به عنوان یک فیلم اولی‌کلان‌دیدای بخش‌های مختلف و البته اصلی جشنواره شد و تقریباً بخش زیادی از جوایز را دریافت کرد. همان موقع هم به من انتقادهای زیادی وارد شد که چرا دبیر جشنواره می‌گوید من دخالتی در داوری‌ها ندارم. این جمله را بارها شنیدم که یعنی چه دبیر در جشنواره دخالت نمی‌کند؟

نشست خبری فیلم زاوالا



نشست خبری فیلم مصاحت



حاشیه‌های روز پنجم جشنواره



آئینه فجر



قاب آخر

فخبرنامه



گفت‌وگو با حمیدرضا آذرنگ، کارگردان
فیلم «روزی روزگاری، آبادان»

**جنگ در سرنوشت من
بوده است**

